



هیئت معارف جنگ
شهید سبهد علی صیاد شیرازی

مدار ده درجه

نویسنده: دریاداردوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

سرشناسه	: معنوی رودسری، عبدالله، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مدار ده درجه / نویسنده عبدالله معنوی رودسری.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ده، ۱۱۶ص.: مصور: ۵/۱۴/۵۰۲۱س.م.
شابک	: 978-600-7416-35-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: سیاست جغرافیایی -- اقیانوس هند، منطقه
موضوع	: Geopolitics -- Indian Ocean Region
موضوع	: سیاست جغرافیایی -- دریای عمان
موضوع	: Geopolitics -- Oman, Gulf of
موضوع	: سیاست جغرافیایی -- ایران -- دریای عمان
موضوع	: Geopolitics -- Iran -- Oman, Gulf of
موضوع	: نیروی دریایی -- ایران
موضوع	: Sea-power -- Iran
موضوع	: نیروی دریایی -- ایالات متحده
موضوع	: Sea-power -- United States
موضوع	: راهبرد دریایی
موضوع	: Naval strategy
موضوع	: ایالات متحده -- سیاست نظامی
موضوع	: United States -- Military policy
رده بندی کنگره	: J۳۹۷ ۱۳۹۷/م۴/م۴/۳۱۹
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۴۶۹۱۴

مدار ده درجه

نویسنده: دریادار دوم ستاد عبدالله معنوی رودسری

نوبت / سال چاپ: اول / ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۳۵-۸

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ - نامبر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۵۵۴-۱۹۵۷۵

کلیه حقوق برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

" از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. "

" جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود. "

امام خمینی (ره)

" می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. "

"دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است. "

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

فرازهایی از پیام حضرت امام^(ع) در اسفندماه ۱۳۶۷ خطاب به روحانیت سراسر کشور
(در رابطه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸)

صحیفه امام خمینی^(ع)، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۳

- ما هر روز در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه‌ها بهره جسته ایم.
- ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم.
- ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم.
- ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم.
- ما در جنگ دوستان و دشمنان خود را شناخته ایم.
- ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم.
- ما در جنگ اُبهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم.
- ما در جنگ ریشه‌های پربار انقلاب اسلامی‌مان را محکم کردیم.
- ما در جنگ جس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یک‌یک مردمان بارور کردیم.
- ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد.
- جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست.
- جنگ ما جنگ فقر و غنا بود.
- جنگ ما جنگ ایمان و ردالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد.
- جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند.
- ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است.
- از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ است، همه اینها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، از تلاش مادران، پدران و مردم عزیز در ده سال مبارزه با آمریکا، غرب و شوروی نشأت گرفته است.
- ملت ما تا آن روز که احساس کرد توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود... آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد.

برای مقابله با دشمنان بلذستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بیچی ید و اءده و قدرت و اءده باشیم.

«شهید شهید علی صیاء شیرازی- ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

همکاران

الهه آموزگار

ءامء ءءمءتی

ویرایش فنی، اءبی

صفءه آراءیی، طرء ءءء

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دستاوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد. «هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کریمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا پایان سال ۹۶ بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارابی ارتش ج.ا.ا. به اجرا درآمده و تا پایان سال ۱۳۹۶ بیش از ۲۸ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان سال ۱۳۹۶، بیش از ۳۸۳ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا پایان سال ۹۶ تعداد ۷۲۰۰ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۶، بیش از ۳۵۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

دریاداردوم بازنشسته عبدالله معنوی رودسری

الف) وضعیت خدمتی

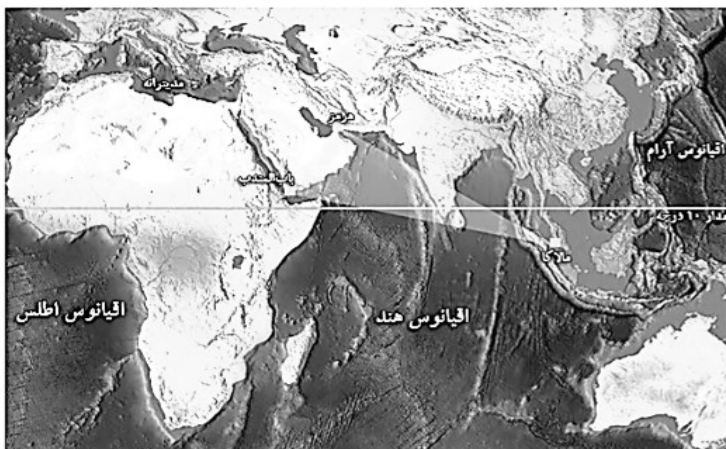
- ✓ ورود به ارتش: ۱۳۴۸ (نیروی دریایی)
- ✓ بازنشستگی: ۱۳۸۰
- ✓ آخرین درجه: دریادار ۲ فرماندهی و ستاد
- ✓ محل‌های خدمت: منطقه یکم بندرعباس، منطقه دوم بوشهر، مرکز آموزش انزلی، ستاد نداجا
- ✓ یگان‌های خدمتی: فرمانده دوم و فرمانده ناوهای موشک‌انداز، نیروبر، ناوشکن سبلان، ناو بالگردبر خارک، مرکز آموزش ناوگان، رئیس عملیات
- ✓ و رئیس ستاد منطقه یکم بندرعباس و در پایان معاون عملیات نداجا
- ✓ مدت خدمت در مناطق عملیاتی: هشت سال

ب) پروژه‌های تحقیقاتی انجام‌شده

- ✓ تحقیق نظری و تدوین ۱۳ فقره کتب راهبردی - عملیات - تاکتیکی جهت نداجا
- ✓ تحقیق صنعتی و طراحی عملیاتی سه فقره سامانه نبرد شناورهای سطحی و زیرسطحی و کنترل تردد دریایی
- ✓ همکاری با صنایع و مؤسسات تحقیقاتی وزارت دفاع، دانشگاه و انجمن علمی فرماندهی و کنترل و همکاری با ستاد کل

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۹	ژئوپلیتیک دریای عمان و اقیانوس هند
۱۷	موقعیت راهبردی سه گذرگاه (هرمز، باب‌المندب، مالاکا)
۲۵	موقعیت راهبردی جزایر اقیانوس هند تا مدار ده درجه
۴۱	توان نظامی آمریکا (دشمن) در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند
۴۹	راهبردهای دفاع دریایی آمریکا در دریای عمان و اقیانوس هند
۸۳	راهبردهای دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران
۹۷	نتیجه‌گیری
۱۰۰	منابع



«ما در سال‌های گذشته، از سواحل طولانی دریای عمان بهره لازم و کافی نبرده‌ایم. ذهنمان تنها متوجه خلیج فارس بوده، اهمیت دریای عمان از نظر ما مغفول عنه مانده، این نگاه جدید، که نگاه به دریای عمان است، می‌تواند کارهای بزرگی را انجام دهد. این برای منطقه جنوب‌شرقی کشور یک موهبت است. بنابراین، دولت و دستگاه‌های مختلف - چه وزارت دفاع، چه وزارتخانه‌های دیگر که مرتبط با این کارند - همه باید به پیشرفت این کار کمک کنند.»

مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۱۱/۳۰

مدار ۱۰ درجه شمالی آب‌های آزاد اقیانوس هند، در واقع، در برگیرنده «تنگه هرمز»، «باب‌المنذب» و «مالاکا» بوده، که نقش بسیار مهمی در اقتصاد جهانی داشته است. به طوری که یک‌سوم تجارت دنیا در این منطقه صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران از طریق دریای عمان به ۲۰ درصد اقیانوس‌های دنیا مشرف بوده و این در حالیست که حدود ۲/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان در حاشیه همین ۲۰ درصد قرار داشته و توجه به این موقعیت راهبردی می‌تواند برای کشورمان یکی از فرصت‌های استثنائی در راستای توسعه دریا محور، تأمین امنیت و اعمال حاکمیت بر این منطقه را رقم زند.

تأمین امنیت دریایی و یا فرامرزی به عوامل گوناگونی از جمله امنیت حاشیه و خطوط تماس آن با همسایگان مرتبط است. موضوع امنیت در ادوار گوناگون حول محورهای خاصی از جمله توانمندی‌های سخت‌افزاری معطوف بوده است، اما با تغییرات و ظهور پدیده‌های جدید اجتماعی، مؤلفه‌های تأمین امنیت سرزمینی به مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز مرتبط شده و از این رو، امنیت جوامع فعلی بیش از پیش به مؤلفه‌های نرم‌افزاری گره خورده است. از جمله مؤلفه‌های نرم در تأمین امنیت فرامرزی، توانمندی در تولید اقتصادی و اقتدار پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است (رامشت، ۱۳۹۰: ۴۶۴).

آگاهی از موقعیت‌های ژئوپلیتیک سرزمین ملی، شناخت ضعف‌ها و قابلیت‌های فضای ملی، شناخت دقیق استعدادها و توانمندی‌های توسعه در فضای ملی، تنگناهای امنیتی و توسعه فضایی درون کشور، اهداف، خواسته‌ها و علائق ژئوپلیتیک بازیگران منطقه‌ای و جهانی، سنجش، ارزیابی و کدگذاری منابع تهدیدات داخلی و خارجی و... و بهره‌برداری از فرصت‌های ژئواکونومیکی از مسائل اساسی است که در دستور کار بسیاری از حکومت‌ها قرار گرفته است.

بنابراین، می‌توان گفت که در قرن بیست و یکم، سرمایه‌گذاری در عرصه اقتصادی همان کاری را خواهد کرد که قدرت آتش بالای نظامی قادر به انجام آن بوده است. در تفکرات ژئواکونومیک، نفوذ و رخنه در بازارها، جایگزین پایگاه‌های نظامی خارج از کشور قدرت‌های بزرگ می‌شود. از اینرو، دیپلمات‌ها امروزه مدعی دفاع از منافع اقتصادی و سیاست ملی هستند (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

یکی از این موقعیت‌های ژئوپلیتیک ایران، سواحل دریای عمان (مکران) در جنوب شرقی سرزمین ایران است. منطقه دریای عمان و اقیانوس هند یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهمی است که شامل کشورهای ایران، امارات، عمان، پاکستان و هند می‌باشد. وجود دو قدرت هسته‌ای در این حوزه و توجه ویژه کشورهای فرامنطقه‌ای، مانند آمریکا و تلاش برای حضور مداوم در آن، حضور فعال‌تر ایران در این منطقه و برنامه‌ریزی برای شرایط بحرانی را چندین برابر می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۶).

بازیگران مهم در اقیانوس هند

اکثر اوقات در تاریخ معاصر، اقیانوس هند، ملقب به "دریاچه بریتانیا" با امنیتی همراه بوده است که با کشتی‌های ناوگان سلطنتی و تا زمان فسخ اقدامات امنیتی "شرق سوئز" در سال ۱۹۷۱ تضمین می‌شد. از میانه دهه ۶۰ به بعد، رشد ثابتی از حضور دو ابرقدرت، که کاهش حضور بریتانیا را متعادل می‌ساخت، مشاهده گردید. هرچند که اثرات این تغییر قدرت برای کشورهای حاشیه اقیانوس هند پیامدهای متفاوتی داشت، اما در امنیت کلی اقیانوس هند، تفاوتی حاصل نشد (Lehr, 2002: 4).

در طی چند دهه، اقیانوس هند به صفحه شطرنجی برای رقابت استراتژیک و مانورهای ابرقدرت‌ها تبدیل شد؛ در عین حال، نقش مرکزیت در تسهیل تجارت جهانی و رشد اقتصادی را نیز بازی کرده است. امروزه در این حوزه گرایش‌ها به کشتیرانی و تجارت بین‌المللی، بویژه تجارت خارجی به صورت الویت ملی برای

بسیاری از ملل، و بیشتر با تأکید بر اهمیت اقیانوس به عنوان تسهیل‌کننده تجارت جهانی پدیدار شده است.

از اینرو، این نگرانی وجود دارد که ظهور قدرت خصمانه‌ای در آن ممکن است بر تجارت و جریان آزاد انرژی تأثیر منفی بگذارد. طبیعتاً کشورهایی که بیشترین نقش را در تجارت دریایی دارند، در ارتباط با امنیت اقیانوس هند و تنگه‌های استراتژیکش نگرانی بیشتری خواهند داشت. در واقع، از آنجایی که بر استراتژی‌های ژئوپلیتیکی یک کشور انرژی نقش مهم و تأثیرگذاری دارد، هرگونه آشفتگی در تأمین آن، پیامدهای جدی دربر خواهد داشت. با فرض تقاضای رو به رشد انرژی از طرف کشورهای مصرف‌کننده آن، ناگزیر این کشورها درباره امنیت مسیرهای ارتباط دریایی و بویژه تنگه‌های استراتژیک منطقه حساس می‌باشند.

فرمانروایی بر مشترکات و استراتژی دریایی ایالات متحده آمریکا در اقیانوس هند

ایالات متحده همواره برای حفظ برتری و هژمونی خود، استراتژی‌های مختلفی را در احاطه، کنترل، مشارکت و بازداری کشورها و مناطقی که می‌بایست یکی از قطب‌های چندگانه حکمرانش شوند، تعقیب کرده است. این کشور از یک سو اقدام به کنترل و مشارکت با اروپا و ژاپن کرده و از سوی دیگر، چین و روسیه را محاصره و بازداشته است (Deng, 2001:345).

فرمانروایی بر مشترکات، راهبرد کلیدی جهت حفظ قدرت جهانی ایالات متحده به عنوان قدرت برتر در جهان است. این استراتژی به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا از دیگر منابع قدرتی، من جمله توان نظامی و اقتصادی خود، همچنین توان نظامی و اقتصادی متحدینش به طور کامل بهره‌برداری کند. در واقع، با اجرای این استراتژی، متحدین مفید باقی می‌مانند. آنان برای ایالات متحده پایگاه‌های رسمی و غیررسمی، که جاپاهای مهمی برای عبور در جهانند، را فراهم می‌سازند. در حقیقت، قدرت نظامی این متحدین به طور معتدل باعث حفظ و تقویت فرمانروایی بر مشترکات می‌شود.

همچنین فرمانروایی بر آب‌های آزاد به این کشور کمک می‌کند تا با محدود ساختن دشمنانش از دست‌رسیشان به منابع اقتصادی و نظامی، آنان را ضعیف گرداند. این استراتژی به ایالات متحده اجازه داده است تا به طور ناگهانی، حتی در جایی که حضور نظامی ثابتی نداشته است، جنگی را آغاز کند (Ibid, 8).

استراتژی جدید جهانی نیروی نظامی ایالات متحده در یک نشست موسوم به "ضربت و حمله دریایی موج آینده" از طرف ژنرال‌ها، دریاسالاران و نمایندگان دولت و کنگره تدوین شده است. طبق گزارش منتشر شده از طرف "مؤسسه لکزینگتون" که عهده‌دار مطالعه این استراتژی و تدارکات نظامی و جنگی برای آن بوده است، هدف این پروژه راهنمایی استراتژیکی کوتاه‌مدت برای تقویت قدرت تهاجمی نیروهای دریایی و برداشتن گام‌های مؤثری است که باید در دفاع از تمدن آمریکا و دموکراسی جهانی در دهه‌های اول قرن بیست‌ویکم برداشته شود. در ترسیم پروژه، مؤسسه لکزینگتون تأکید می‌کند که همه مخاطرات آمریکا در قرن بیستم، از منطقه اوراسیا سرچشمه گرفته و آمریکا نه تنها به منابع طبیعی این منطقه محتاج است، بلکه برای جهانی‌سازی اقتصادی و بازاریابی خود باید در این ناحیه نفوذ داشته و غالب باشد. طبق این گزارش، حضور نظامی و پایگاه‌های دریایی - هوایی در این منطقه وسیع برای آمریکا لازم به نظر می‌رسد. اصطلاح "اوراسیا" به منطقه وسیع مشترک اروپا - آسیا گفته می‌شود و از مرزهای شرقی آلمان شروع شده و تا چین ادامه پیدا می‌کند و شامل روسیه، آسیای مرکزی، غرب آسیا، اروپای مرکزی و شرقی، خلیج فارس و هندو چین است (مولانا، ۱۳۸۱).

تنگه هرمز مهم‌ترین گذرگاه استراتژیک جهان می‌باشد که از دیدگاه جغرافیایی، در دست داشتن آن، کنترل جهانی و منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. از این نظر، در طول تاریخ، این تنگه همواره در کانون توجه قدرت‌ها قرار داشته، به نحوی که، رقابت برای کنترل آن از سوی قدرت‌های جهانی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دائماً جریان داشته است. از سویی دیگر، تنگه استراتژیک مالاکا به این دلیل که ورودی اصلی برای کشتی‌های تجاری و تانکرهای نفتی است که از

شرق به غرب و بالعکس در حرکتند، برای منطقه و جهان بسیار بااهمیت است. این تنگه مسیر اصلی ارتباط دریایی به آسیای شرقی، منطقه‌ای که پیش‌بینی می‌شود بالاترین رشد اقتصادی را در جهان داشته باشد، می‌باشد.

از اینرو، کشورهای بسیاری نیز خواهان داشتن کنترل کامل بر این تنگه یا حداقل داشتن قدرت فرمانروایی بر آن بوده‌اند. حال با در نظر داشتن این مسئله که منطقه اقیانوس هند به علت وضعیت ژئواستراتژیک خود امروزه در محاسبات جهانی اهمیت یافته است، بنابراین، با انگیزه تقاضا برای منابع کلیدی و بازارها، رقابت در بین قدرت‌های دریایی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای اثرگذاری بر آن وجود دارد. بنابراین، نظم نوین جهانی، تحت امر جهانی شدن و آزادی تجاری، کشورهای منطقه را ملزم می‌سازد تا برای برقراری امنیت در ترویج اقتصاد جهانی و منافع تجاری خود اقداماتی را انجام دهند. همچنین، اهمیت استراتژیک اقیانوس هند و تنگه‌هایش مورد تأکید بیشتر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته، به طوری که یکپارچگی اقتصادی جهان نقش محوری به آن داده و آن را در کانون توجه هوشیارانه رادارهای قدرت‌های داخل و خارج از منطقه قرار داده است. مجموعه این عوامل باعث می‌شود که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در حوزه اقیانوس هند دارای منافع مختلف و گاه متضادی بوده و در پی اثبات موقعیت خود در آن باشند. این امر باعث می‌گردد ایالات متحده استراتژی خاصی را برای فعالانه‌تر عمل کردن نیروی دریایی خود در تنگه‌های اقیانوس هند به کار گیرد. این مهم برای نیروی دریایی ایالات متحده وجود دارد که برای حفظ موقعیت خود در جهان در این تنگه‌ها حضور داشته باشد.

بنابراین، به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا با اتخاذ رویکرد نظامی محور، به بهانه مبارزه با تروریسم و حفظ امنیت، به گسترش پایگاه‌های نظامی خود در منطقه استراتژیک اقیانوس هند ادامه خواهد داد و قدرت نظامی گسترده‌ای را در آن به وجود می‌آورد، که این پایگاه‌های نظامی تنگه‌های جنوب غرب آسیا و آسیای جنوب شرقی را احاطه می‌کند و در آن گسترش می‌یابد، تا از این طریق، از ظهور قدرت‌های رقیب جلوگیری شود. بنابراین، فضای جغرافیایی اقیانوس

هند و تنگه‌های استراتژیک آن صحنه پیچیده‌ای از همکاری، رقابت و تضاد منافع، بین قدرت‌های جهانی، منطقه‌ای، ملی و فراملی خواهد بود، که هرکدام بسته به استراتژی و سیاست‌های اتخاذشده خود در پی کسب قدرت و اعمال نفوذ می‌باشند.

اهمیت فرهنگی و تاریخی

غرب آسیا از نظر فرهنگی - تاریخی خاستگاه و زادگاه ادیان بزرگ توحیدی و الهی است. پیامبران اولوالعزم خداوند در این منطقه رسالت جهانی خود را اعلام کرده‌اند. از حدود بیست و اندی تمدن شناخته شده، بیش از نیمی از آن در منطقه غرب آسیا شناسایی شده‌اند. بسیاری از تمدن‌های معروف دیگر نیز در همسایگی غرب آسیا بازشناسی شده‌اند، مانند تمدن‌های چین و هند. از نظر مذهبی شهر بیت المقدس، برای پیروان ادیان الهی یهود، مسیحیت و اسلام بسیار مقدس و ارزشمند است. از منظر نظریه و اعتقاد فرجام‌شناسی نیز، غرب آسیا اهمیت دارد، زیرا جنگ سرنوشت‌ساز و افسانه‌ای آرماگدون (منطقه‌ای میان فلسطین و اردن) در غرب آسیا روی می‌دهد. حضرت مسیح (ع) و حضرت مهدی (عج) در این منطقه ظهور می‌کنند و زندگی انسان را سر و سامان می‌دهند. علاوه بر اینها، غرب آسیا گهواره قانونگذاری و دانش‌های فلسفه و ادبیات و... به شمار می‌آید. هنر دنیای قدیم ریشه در این منطقه دارد و از اینجا به سراسر جهان گسترش یافته است.

اهمیت سیاسی و امنیتی

غرب آسیا با توجه به بافت اجتماعی، تنوع قومی و نژادی، منابع و امکانات مادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا توزیع منابع و امکانات طبیعی بر پایه خواست و رضایت مردم منطقه نبوده است. پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، ایجاد مرزهای تحمیلی برای کشورهای جدیدالتأسیس بر اساس مصالح و مطامع قدرت‌های استعماری اروپا، که در غرب آسیا حضور داشتند، بدون توجه به مسائل قومی، نژادی و مذهبی مردم شکل گرفت. برای

همین، امروزه در غرب آسیا و حتی شمال آفریقا، کشوری را نمی‌توان یافت که به گونه‌ای با یکی از همسایگانش بر سر منابع آب، نفت، زمین و... اختلاف نداشته باشد. همین مشکل هر از چند گاهی به رقابت تسلیحاتی دامن می‌زند و در مواردی، باعث درگیری و جنگ کوتاه‌مدت و درازمدت در غرب آسیا شده است. بنابراین، غرب آسیا از نظر سیاسی - امنیتی هم برای مردم منطقه و هم برای کشورهای دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ژئوپلیتیک دریای عمان و اقیانوس هند

اهمیت و موقعیت دریای عمان

منطقه ساحلی جنوب ایران به طول تقریبی ۱۴۸۰ کیلومتر در مجاورت دو دریای عمان و خلیج فارس قرار دارد. رودخانه میناب این منطقه ساحلی را به دو قسمت: (۱) منطقه ساحلی خلیج فارس از مصب اروندرود تا رود میناب و (۲) منطقه ساحلی مکران از میناب تا مرز پاکستان تقسیم می‌کند. تنگه هرمز در ۸ کیلومتری بندرعباس حد فاصل بین این دو دریا قرار دارد. از طول خط ساحلی، حدود ۶۰۰ کیلومتر آن در مجاورت دریای عمان و ۸۸۰ کیلومتر دیگر آن مجاور با خلیج فارس می‌باشد.

مناطق ساحلی جنوب ایران عموماً بسیار کم‌عرض و باریک است. در تمام طول ساحل، ناحیه آباد و پرجمعیت یا بندرگاه طبیعی دیده نمی‌شود. اگر از جلگه خوزستان، منتهی‌الیه شمال‌غربی ساحل خلیج فارس، که در طول سواحل آن بنادر فعال خرمشهر، آبادان و ماهشهر قرار دارند بگذریم، فقط دو منطقه یکی مجاور پاکستان در منتهی‌الیه ساحل جنوب‌شرقی ایران و دیگری سواحل مکران است که جلگه‌های ساحلی وسعت یافته‌اند. منطقه اول را جلگه نسبتاً حاصلخیز دشتیاری تشکیل می‌دهد و بندر چابهار از بنادر بلوچستان در جنوب این جلگه قرار دارد. منطقه دوم ناحیه جاسک که زمانی فعالیت بندری داشته است، می‌باشد (همایش چابهار، ۱۳۸۷).

در نقشه امپراطوری ۱۱۲۶ خورشیدی ایران دریای پارس نام آب‌های آزاد جنوب‌شرقی ایران است. در منابع تاریخی، این خلیج و دریای عرب فعلی به نام‌های بحر فارس و بحر اخضر و دریای مکران و در بعضی منابع اروپایی قدیم با نام دریای اریتر و دریای رومیروم و دریای هندوس نیز یاد شده است، که گاهی به کل اقیانوس هند و پهنه‌های آبی مرتبط با آن نیز گفته می‌شده است. نام این دریا توسط پارسیان، مکران بوده، که گویا تغییر یافته «مهی خوران» بوده و اروپائیان با تلفظ Makran - Mecran به کار برده‌اند "عمانا"ی تاریخی در واقع، نام یکی از شهرهای جنوب ایران و در فاصله غرب چابهار فعلی و بندر جاسک قرار داشته است (عجم، ۱۳۸۸: ۵۴).

فرماندهی معظم کل قوا در هفتم آذر ۱۳۹۱، روز نیروی دریایی، در دیدار فرمانده و مسئولان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی فرمودند: "سواحل گسترده جمهوری اسلامی و بویژه ساحل دریای عمان و عقبه آن در منطقه مکران ثروت عظیم ملی است. اگر دولت و دیگر مسئولان با نگاه راهبردی به مناطق دریایی به کمک بیایند، این منطقه عظیم و مهم می‌تواند توانایی‌های بسیاری برای جمهوری اسلامی پدید آورد." (۹۱/۹/۷)

ارزش‌های دفاعی کرانه‌های شمالی دریای عمان

عقبه نامناسب منطقه، از جمله وجود ارتفاعات مکران، چاله جازموریان و منطقه دلگان در استان سیستان و بلوچستان، امکان عبور از این منطقه برای نفوذ به مرکز کشور را فراهم نمی‌کند. بنابراین، امکان برنامه‌ریزی دشمن برای انجام عملیات وسیع نظامی از این منطقه با هدف نفوذ به داخل کشور محدود است. اما همین عقبه نامناسب سواحل مکران و وجود خورهای متعدد در طول ۶۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و تقریباً خالی بودن منطقه از سکنه، هم فرصت‌های مناسبی در اختیار قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر و سلاح و مهمات قرار داده و هم امکان برنامه‌ریزی دشمن را برای انجام عملیات محدود و ایذائی با اعزام تیم‌های

تروریستی به عمق خاک ایران فراهم ساخته است. از سوی دیگر، اشراف ارتفاعات مکران و ارتفاعات محدود حواشی دریا و گلفشان‌های ساحلی بر تحرکات دریایی در دریای عمان که برای نفوذ به خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد، همین‌طور به دلیل اینکه سواحل دریای عمان امکان ارتباط مستقیم کشور را بدون هیچ مانعی با دریای آزاد فراهم می‌کند، می‌تواند برای مهاجمین دارای اهمیت راهبردی باشد. بنابراین، احتمال برنامه‌ریزی دشمن برای انجام عملیات آفندی در این منطقه وجود دارد. گذشته از آن، بریدگی‌هایی در ارتفاعات منطقه به وسیله سیلاب‌ها و رودخانه‌های منطقه به وجود آمده است، که امکان نفوذ دشمن از این مناطق به درون کشور و حداقل داخل ارتفاعات مکران را فراهم می‌کند. همچنین، آب‌های ساحلی دارای عمق کم بوده و برای نزدیک شدن ناوهای دشمن غیرممکن است. به همین دلیل، احتمال دارد دشمن برای انجام عملیات نفوذ به ساحل، از روش‌هایی مانند هلی‌برد استفاده نماید و نیز در برخی از قسمت‌های ساحلی، موانعی مانند پشته‌های ماسه‌ای و یا موانعی در هنگام نزدیک شدن دشمن به این منطقه مورد استفاده قرار گیرد (فیضی، ۱۳۹۰: ۳۴۹).

اهمیت و نقش ژئواستراتژیک سواحل مکران

از قدیمی‌ترین دوران تا امروز، دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم برای توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها بوده است و تصور این بوده که در اختیار داشتن آب‌های آزاد شرط ضروری برای رسیدن به قدرتی جهانی است، چنین نیازی امروزه نیز کاملاً احساس می‌گردد (کامران، ۱۳۸۱: ۵۸۶).

قدرت دریایی در بین سایر قدرت‌های یک کشور، آن قدرتی است که توانایی حضور و اعمال سیاست‌های دولت مزبور را در دریا، در زمان صلح و جنگ فراهم سازد و یا آن قسمت از توانایی‌های کلی یک کشور می‌باشد که آن را قادر به استفاده از دریا برای پیشبرد اهداف، سیاست‌ها و مصالح ملی می‌سازد. قدرت دریایی یک اصطلاح و یک عبارت فراگیر است که هرگونه منابع ملی، نیرو یا

وسيله‌ای که در توان استفاده مؤثر یک کشور از دریا باشد را می‌پوشاند؛ در حقیقت، جزء لاینفک قدرت ملی است و همساز و هماهنگ با هر نوع عنصری از قدرت ملی، اعم از استراتژیکی، سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی می‌شود. قدرت دریایی توانایی بهره‌گیری از زمان و مکان برای پیشی گرفتن و وارد آوردن ضربه به هرکس در هر زمان و مکان که نیاز باشد، است. قدرت دریایی به سطوح دیگر قدرت نظامی قابلیت تحرک، انعطاف و دور زدن بیشتر می‌دهد و توانایی کشور برای خنثی کردن اهداف دشمن در زمان صلح و جست و جوی یک راه مناسب جهت انهدام دشمن در زمان جنگ را فزونی می‌بخشد. قدرت دریایی یک کشور به مجموعه توانایی‌های یک ملت در پیگیری منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها با بکارگیری آب‌های دنیا برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ به منظور نیل به مقاصد و اهداف ملی اطلاق می‌شود.

در همین راستا، استراتژی دریایی را اصول تعیین‌کننده چگونگی حاکمیت بر دریا در جهت حفظ منافع حیاتی می‌گویند، که هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به هر تقدیر، استراتژی دریایی و استراتژی عملیاتی منبعت از آن، محور اصلی دریا بوده و کلیه امور مربوط به نیروی رزمی و عوامل مرتبط به دریا و چگونگی عملکرد نیروها در صحنه نبرد را دربرمی‌گیرد. لازمه دستیابی به اهداف استراتژی دریایی در اختیار داشتن یک قدرت دریایی برای برقراری کنترل لازم در منطقه مورد نظر می‌باشد، که هسته مرکزی این قدرت را نیروی دریایی هر کشور تشکیل می‌دهد. در واقع، ادامه حیات سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی بدون داشتن امنیت در دریا ممکن نمی‌باشد (کوچکی، ۱۳۸۵: ۴-۳). استراتژی دریایی وسیله مؤثری برای کسب قدرت در قرن گذشته بوده و امروزه نیز همواره با دیگر استراتژی‌ها باعث تأمین قدرت یک کشور می‌باشد. نظریه‌پردازان معاصر عموماً در مورد عناصر قدرت دریایی به شرح زیر اتفاق نظر دارند:

الف) ناوگان نظامی

ب) پایگاه‌های پشتیبانی‌کننده

ج) ناوگان غیرنظامی

د) بندرگاه‌های مناسب

کاربرد عناصر و فاکتورهای قدرت دریایی در زمان جنگ و صلح متفاوت است. بدین ترتیب، مهم‌ترین عناصر قدرت دریایی و کارکرد آن در زمان صلح بدین قرار است:

- یگان‌های شناور و پروازی به تعداد کافی جهت محافظت از جابه‌جایی ایمن کالاهای تجاری به منظور تضمین ادامه حیات مجموعه‌های صنعتی
- پایگاه‌های کافی برای پشتیبانی از عملیات دریایی
- نیروهای کافی برای پشتیبانی و تضمین آزادی دریانوردی در آب‌های بین‌الملل

مهم‌ترین کارکرد عناصر و تجهیزات قدرت دریایی در زمان جنگ عبارتست از:

- جلوگیری دشمن از تهدید کردن استفاده خودی از دریا
- جلوگیری از اشغال قلمرو کشور توسط دشمن
- تهیه و تدارک لازم برای حمایت از هم‌پیمانان
- تهیه و تدارک لازم برای محافظت و جابه‌جایی نیروهای زمینی و تدارکات و تجهیزات آنها از طریق دریا به محل‌ها و مواضع مورد نظر
- حضور نیروهای پیاده شونده برای مقابله با دشمن در مناطق ضروری
- انهدام دشمن در دریا و زمین برای وارد آوردن خسارات بر اقتصاد و جلوگیری از استفاده دشمن از دریا
- دارا بودن قدرت هوایی کافی برای محافظت از یگان‌های شناور
- اطمینان از جابه‌جایی امن اقلام عمده استراتژیکی
- دارا بودن پایگاه‌های لازم برای پشتیبانی از عملیات دریایی
- تحمیل فشار اقتصادی بر دشمن و جلوگیری از واردات و صادرات اقلام استراتژیکی جنگی (کامران، ۱۳۸۱).

لازم به ذکر است امروزه قدرت دریایی از نظر وسایل مورد استفاده فقط ماهیت

دریایی ندارد و قدرتی هوایی - دریایی می‌باشد، که از وسایل مختلف دریایی -

هوایی تشکیل شده است. از اینرو هواپیما نیز مانند ناوها باید به عنوان وسایل پشتیبانی، حمل و یا دفاع دریایی در نظر گرفته شود.

برای تبدیل یک کشور به قدرت دریایی، یک سری عوامل و عناصر همانند دسترسی به آب‌های آزاد و وجود سواحل مناسب لازم و زیربنایی است. در کنار این عوامل، برخی دیگر از عوامل مطرح است که روبنایی می‌باشد و کشورها می‌توانند با طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های مدون بدان دست یابند. وجود یک استراتژی جامع دریایی، وجود یک نیروی دریایی مجهز و پویا، وجود تجهیزات و تسلیحات همانند شناورهای نظامی و همچنین وجود پایگاه‌های دریایی از جمله این موارد است.

با توجه به این توضیحات، دسترسی به آب‌های آزاد از طریق سواحل مکران، ویژگی‌های مناسب ساحلی و بخصوص موقعیت ژئواستراتژیکی این سواحل جزء مهم‌ترین عناصر زیربنایی قدرت دریایی ایران محسوب می‌شود؛ در واقع، این عناصر فرصت‌هایی است که جغرافیا در اختیار مسئولین کشور قرار داده و در صورت بهره‌برداری بهینه می‌تواند در تبدیل ایران به یک قدرت دریایی نقش مؤثری داشته باشد، همچنانکه در برهه‌های مختلف تاریخی این چنین بوده است. به گواه تاریخ، ایرانیان از قدیمی‌ترین دریانوردان بوده و در آب‌های خلیج فارس، اقیانوس هند، شرق مدیترانه و دریای سرخ، سرآمد دوران خود به شمار می‌رفته‌اند. گسترده‌ترین عملیات آبی خاکی و لشکرکشی دریایی تا قبل از جنگ جهانی دوم توسط ایرانیان و در قرن چهارم قبل از میلاد صورت گرفته است (عزتی، ۱۳۶۳: ۴۴).

در عصر حاضر نیز، آب‌های آزاد با پتانسیل دریای عمان، ایران را عضو دو سازه منطقه‌ای، یعنی سازه دریای عمان و سازه میان‌قاره‌ای اقیانوس هند، می‌کند. سازه اقیانوس هند یک سازه میان‌قاره‌ای بین کشورهای آفریقا، آسیا و اقیانوسیه است، یعنی ایران با کشورهای سه قاره دارای منافع مشترک می‌شود. به عبارتی، عضویت در سازه‌های دریای عمان و اقیانوس هند و توسعه روابط با اعضای مربوط

به آن در سه قاره آسیا، آفریقا و اقیانوسیه ظرفیت ژئوپلیتیک ایران را توسعه می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۲).

جنوب شرق ایران به لحاظ جایگاه نظامی می‌تواند در اتخاذ استراتژی‌های بحری، نقش ویژه‌ای برای ایران ایفا نماید و آن را از توان و قابلیت تحرک میان اقیانوسی در فعالیت‌های نظامی برخوردار نماید. ایران از طریق این عرصه آبی می‌تواند به قدرتی نظامی با حوزه عملکرد میان اقیانوسی تبدیل شود و از حوضچه خلیج فارس خود را بیرون بکشد، چرا که حوضچه خلیج فارس امکان تبدیل شدن ایران به یک قدرت دریایی را فراهم نمی‌کند، ولی دریای مکران (عمان) و اقیانوس هند چنین امکانی را برای ایران فراهم می‌آورند. وجود پایگاه هوایی چابهار و توسعه آن، همچنین رزمایش‌های دریایی ایران در خارج از آب‌های خلیج فارس می‌تواند قدرت نظارتی و کنترلی ایران را بر بخش شمالی اقیانوس هند افزایش دهد (شمشیرپناه، ۱۳۸۲: ۸۶).

ایران در سواحل و آب‌های جنوب شرق دارای عمق استراتژیک ویژه‌ای است، که توان ایران را در برخورد با چالش‌های ژئواستراتژیک ارتقاء می‌دهد. عمق استراتژیک موجود در این منطقه می‌تواند باعث حل شدن چالش‌های ژئواستراتژیک موجود بین ایران و دیگر کشورهای همجوار گردد.

اهمیت و نقش ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک سواحل مکران

یکی دیگر از قابلیت‌ها و کارکردهای بسیار مهم سواحل مکران، کارکرد ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک آن است. در عصر حاضر، که اقتصاد نقش مهمی در جایگاه کشورها دارد و با توجه به تعریف واژه ژئواکونومیک، مناطقی حائز اهمیت هستند که دارای نقش اقتصادی می‌باشند.

واقعیت این است که اکنون نقاط استراتژیک، مناطق استراتژیک و قلمروهای ژئواستراتژیک بیشتر بر اساس معیارهای اقتصادی تعیین می‌شود، لیکن قابلیت مناطق از جهت کاربرد نظامی هم مورد نظر است. این نکته بسیار حساسی است،

یعنی عامل اقتصادی به تنهایی در کار نیست، بلکه پشتوانه قدرت نظامی و ملاحظات نظامی هم در کنار ملاحظات اقتصادی اهمیت دارد. پس برای تحقق یافتن ایده‌های اقتصادی، چنانچه نیاز به استفاده از قدرت نظامی باشد، باید دید فلان منطقه (سواحل مکران) ظرفیت مانور نظامی را دارد یا نه (نامی و عباسی، ۱۳۸۸: ۴۶ - ۴۴) بدین سان، در ترتیب و اولویت‌بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور مهم‌ترین جایگاه در سال‌های اخیر را به خود اختصاص داده است.

در سده بیست‌ویکم، توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی و کنترل تولید و عرضه مصرف کالاهای اقتصادی بسیار مهم است. مناطق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک منطبق بر مناطقی است که دارای منابع انرژی سرشار و همچنین تولید ناخالص هنگفت می‌باشد. حال اگر مناطق استراتژیک دوران جنگ سرد (ژئوپلیتیک) منطبق با عوامل اقتصادی (ژئواکونومی) گردد، آن مناطق موقعیتی بین‌المللی خواهند یافت که جایگزین نشدنی بوده و نقشی محوری در تدوین استراتژی‌های جهانی پیدا خواهند کرد. با مطرح شدن ژئواکونومیک در ژئوپلیتیک مناطق جغرافیایی دوران جنگ سرد، بعد دیگری، یعنی توزیع منابع مولد انرژی با محوریت نفت و گاز مطرح گردید. به عبارت دیگر در قرن بیست‌ویکم، مناطقی که دارای انرژی هستند یا محل عبور آن می‌باشند، مورد توجه قرار می‌گیرند (عزتی، ۱۳۸۴: ۲۹). از اینرو، اهمیت ژئواکونومیک سواحل مکران در بحث مسیرهای انتقال انرژی نیز قابل توجه است و توجه به جایگاه سواحل مکران به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق عبور انرژی در تدوین راهبرد ملی امری انکارناپذیر و ضروری می‌باشد (شمشیرپناه، ۱۳۸۲: ۶۴).

موقعیت راهبردی سه گذرگاه (هرمز، باب‌المندب، مالاکا)

ویژگی‌هایی که برخی تنگه‌ها را از نظر جهانی مهم می‌سازد و باعث می‌شود که به کانون محاسبات استراتژیک و ژئواستراتژیک قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شوند، به نحوی که آنها خواهان داشتن کنترل کامل بر تنگه یا حداقل داشتن قدرت فرمانروایی بر آن باشند، وجود دو عامل، یکی اقتصادی که خود به دو دسته انرژی و تجارت تقسیم می‌شود، و دیگری نظامی است. این عوامل اثرات و پیامدهای مشخص و پویایی را برای تنگه‌ها به وجود آورده و پیگیری استراتژی‌ها برای مناسب ساختن این پیامدها، این تنگه‌ها را به محل رقابت قدرت‌ها تبدیل می‌کند. اما میزان اهمیت تنگه‌های استراتژیک در طول تاریخ متفاوت بوده و با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییر الگوهای سیاست جهانی، دستخوش تغییر شده است. غالب تنگه‌های بین‌المللی در عصر نظام دوقطبی، بیشتر اهمیت سیاسی و ژئوپولیتیکی داشتند؛ هرچند این اهمیت هنوز نیز در بعضی از آنها وجود دارد و دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک بر آنها حاکم است، در حال حاضر، تنگه‌های مهم از نقش آفرینی ژئواکونومیک نیز برخوردار شده‌اند.

تنگه‌های مهم اقیانوس هند به جهت صرفه‌جویی‌های اقتصادی و نزدیک ساختن سه حوزه جغرافیایی اصلی اقتصاد جهان، یعنی آمریکای شمالی و اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

ژئوپلیتیک تنگه هرمز

تنگه هرمز، که کلید دریای نیمه بسته خلیج فارس به شمار می‌آید، حداقل ۲۱ مایل پهنا، ۱۰۰ مایل درازا و ۶۷ تا ۹۱ متر ژرفا دارد و حتی ۲۱۳ متر ژرفا نیز گفته‌اند. از طرف شمال به ایران و از طرف جنوب به جزیره مسندم عمان محدود می‌شود. باریک‌ترین بخش آن میان جزیره ایرانی لارک و جزیره عمانی قویین بزرگ ۲۱ مایل پهنا دارد. روزانه حدود ۸۰ کشتی از این آبراه بین‌المللی رفت و آمد می‌کنند (الاسدایر درایسدل، ۱۸۲). تنگه هرمز در نظریه‌های ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. بر پایه نظریه اسپایکمن، تنگه هرمز ریملند است و بخش‌های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی ریملند را به همدیگر پیوند می‌دهد. طبق نظریه ریملند، کنترل تنگه هرمز به معنای کنترل چهار بخش ریملند خواهد بود (جعفری ولدانی).

نیاز اروپا به نفت خلیج فارس و بازارهای ثروتمند مصرفی غرب آسیا باعث شده است که تنگه هرمز بخش مهم و حساسی از شبکه حمل و نقل دریایی اروپا را تشکیل دهد و به همین دلیل، خلیج فارس در فضای ژئواستراتژیک اروپای غربی قرار دارد. آمریکا، ژاپن و استرالیا نیز به نفت خلیج فارس و آبراه تنگه هرمز نیاز دارند. بنابراین، این منطقه فضای ژئواستراتژیک برای آنان نیز به شمار می‌آید.

تنگه‌های هرمز، باب المندب و کانال سوئز سه نقطه دفاعی شبه جزیره عربستان است. در این میان، تنگه هرمز هم برای نیروی دریایی، در برابر نیروی زمینی و هم برای نیروی زمینی در برابر نیروی دریایی نقش دفاعی مناسبی دارد. برای همین بعد از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، نیروی دریایی آمریکا پیرامون این سه نقطه جابه‌جا شدند و شبه جزیره را در حصار خود گرفتند.

نزدیک‌ترین راه ارتباطی اقیانوس هند به داخل فلات ایران از بندرعباس و شمال تنگه هرمز می‌گذرد. بندرعباس پایگاه و تکیه‌گاه دریایی ایران است. حذف تنگه هرمز از نقشه ایران یا کنترل آن به واسطه نیروهای بیگانه ایران را به نیرویی محروم از دریا بدل می‌کند.

نیروهای دریایی و زمینی در خلیج فارس و کشورهای منطقه نیاز به تدارکات بادوام دارند. معمولاً تأمین نیرو و تدارکات مانند مهمات، اسلحه، غذا و... با ناوگان دریایی به سرانجام می‌رسد. بنابراین، تنگه هرمز در پشتیبانی عملیات نظامی، به عنوان یکی از ارکان استراتژی نظامی نقش مهمی دارد (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۴۲۹).



تنگه هرمز

ژئوپلیتیک تنگه باب‌المنندب

برای درک و فهم اهمیت ژئوپلیتیک تنگه باب‌المنندب و کانال سوئز سزاوار است نخست با ژئوپلیتیک دریای سرخ آشنا شویم. دریای سرخ یا دریای افسانه‌ای قلزم (لغتنامه دهخدا)، میان کشورهای عربستان سعودی، یمن و قاره آفریقا واقع شده است. دریای سرخ دریای باریک جداشده‌ای از اقیانوس هند است، که ۲۴۰۰ کیلومتر درازا دارد. در شمال آن شبه جزیره سینا، در شمال شرق آن خلیج عقبه و در شمال غرب آن کانال سوئز واقع شده است و از جنوب به واسطه تنگه باب‌المنندب و خلیج عدن به اقیانوس هند می‌پیوندد. کشورهای مصر، سودان، ارتیره، جیبوتی، اسرائیل، اردن، عربستان و یمن بر کرانه آن واقع شده‌اند.

تنگه باب المندب در ورودی دریای سرخ با پهنای حداقل ۱۰/۷۵، درازای ۳۵ مایل و ژرفای ۱۰ تا ۱۸۳ متر واقع شده است. بسیاری از کشتی‌هایی که از کانال سوئز رفت و آمد می‌کنند، باید از این تنگه عبور کنند. اهمیت حمل و نقل تنگه باب المندب اگرچه به اهمیت دهه ۱۹۶۰ نمی‌رسد، زیرا خط لوله نفت سراسری عربستان سعودی که در سال ۱۹۸۱ راه‌اندازی شد، انحصار انتقال نفت را از این تنگه گرفت، اما باب المندب برای کشورهای ساحلی مانند یمن، اتیوپی، اردن و سودان که هیچ راه دیگری به دریا ندارند، همچنین برای اروپا، که کشتی‌های نفتکش آن پس از خروج از خلیج فارس باید وارد این تنگه شوند، تا از کانال سوئز عبور کنند، همچنان از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

کنش‌ها و واکنش‌های ابرقدرت‌ها در دوره جنگ سرد، که پیرامون باب المندب را به یکی از آشوب‌زده‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده بود، حکایت از اهمیت این تنگه دارد. ابرقدرت‌ها برای تحکیم نفوذ خود در شاخ آفریقا و شبه جزیره عربستان در رقابت بودند. آشوب‌های دیرپای محلی فرصت‌های مناسبی برای گسترش طرح‌های ژئواستراتژیک ابرقدرت‌ها فراهم کرده بود. کودتای نظامی ۱۹۸۷ در اتیوپی برای اتحاد جماهیر شوروی پیشین فرصتی پدید آورد تا در آن کشور، تسهیلات و پایگاه نظامی به دست آورد و از نزدیک تنگه باب المندب را زیر ذره‌بین قرار دهد. در واکنش به این عمل، واگذاری پایگاه شوروی در موگادیشو پایتخت سومالی، از سوی دولت آن کشور به نیروی دریایی آمریکا و درگیری گاه و بیگاه یمن‌های جنوبی و شمالی پیشین به نیابت از ابرقدرت‌ها، باعث شده بود که دریای سرخ و کرانه‌های آن در ناآرامی پایدار به سر ببرد (الاسدایر درایسدل، ۱۸۰).



تنگه باب‌المندب

عربستان روز ۲۶ مارس ۲۱۱۵ حمله به یمن را آغاز کرد. این حمله که نشانه جنون آل سعود از تحولات منطقه است، به نوعی تبدیل شدن سیاست پنهان عربستان به سیاست آشکار مداخله در امور داخلی کشورهای عربی محسوب می‌شود.

«شیرین هانتر»، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا، ترکیبی از ترس، عصبانیت و جاه‌طلبی را در زمره علل حمله سعودی‌ها نسبت به یمن عنوان می‌کند. هانتر عنوان می‌کند که عربستان سعودی به ظهور هر دولتی در یمن که تحت کنترل آنها نباشد، بدگمان هستند، بویژه اگر قرار باشد شیعیان نیز در آن نقشی ایفا کنند. ترس آنها از این است که مبادا دست یافتن شیعیان یمن به چنین توفیقی منجر به آن شود که جمعیت شیعه عربستان نیز سهم سیاسی بیشتری را مطالبه کنند. علاوه بر این، سعودی‌ها همواره نسبت به ایران و نقش آن در منطقه بدگمان بوده‌اند.

این مطلب حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم صدق می‌کرد. اما در آن زمان، به دلیل تهدید ناشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق و اعراب رادیکال،

سعودی‌ها چاره‌ای جز تحمل ایران نداشتند، حال آنکه سعی می‌کردند تا به طور همزمان از نفوذ این کشور در منطقه خلیج فارس و حتی کشورهای پاکستان و افغانستان بکاهند. در حال حاضر، سعودی‌ها فکر می‌کنند که پررنگ‌تر شدن نقش شیعیان در دولت یمن به افزایش نفوذ ایران در این کشور دامن می‌زند. علاوه بر این، سعودی‌ها از توفیق ایران در عراق، بویژه در امر مهار داعش عصبانی هستند. در نهایت، دولت پادشاهی عربستان همواره توسعه طلب بوده و با قرار دادن خود در جایگاه رهبری اعراب جهان، خواهان کنترل خلیج فارس و دریای سرخ است، که این بخش از سیاست عربستان سعودی به سال‌های دهه ۵۰ بازمی‌گردد (پایگاه خبری - تحلیلی بصیرت، ۱۳۹۴).

در چنین شرایطی، آمریکا به جای مداخله مستقیم به گونه زیر عمل می‌نماید: (cartalucci, 2015)

- مدیریت از راه دور
- واگذار کردن حل مشکلات منطقه‌ای به مزدوران خود
- تلاش برای نزدیک کردن عملیات‌های نظامی به عملیات‌های اطلاعات پایه و در نتیجه، کوچک کردن ارتش خود
- تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای
- اجتناب از مداخله مستقیم
- استفاده جدی‌تر از ابزارهای مختلف
- حل بحران‌ها از راه سیاسی و سازش.

ژئوپلیتیک تنگه مالاکا

تنگه یا کانال مالاکا آبراهی است به طول حدود ۸۹۰ کیلومتر که بین مالزی و اندونزی (جزیره سوماترا) قرار دارد. این نام برگرفته از سلطنت مالاکا و نفوذ آنها بر این مجمع‌الجزایر بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۵۱۱ می‌باشد.



تنگه ملاکا بین مالزی و اندونزی

از لحاظ اقتصادی و راهبردی، آبراه ملاکا یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشتیرانی جهان می‌باشد. این آبراه مسیر اصلی کشتیرانی بین اقیانوس‌های هند و آرام می‌باشد و اقتصادهای بزرگ آسیا همچون اندونزی، مالزی، سنگاپور، چین، ژاپن، تایوان و کره جنوبی را به هم و به سایر نقاط جهان متصل می‌کند. سالیانه بالغ بر ۹۴,۰۰۰ کشتی (آمار سال ۲۰۰۸)، که حدود ۲۵ درصد کالاهای تولیدی جهان شامل نفت خام، کالاهای تولید چین، ذغال سنگ، روغن پالم و قهوه اندونزی را جابه‌جا می‌کنند، از این آبراه عبور کرده و این حجم ترافیک، این آبراه را در لیست مهم‌ترین مسیرهای ترانزیتی جهان قرار داده است. حدود یک چهارم نفت جهان بعد از استخراج از این مسیر عبور می‌کند. این نفت عموماً از خلیج فارس به کشورهای شرق آسیا فرستاده می‌شود (strait of Malacca).

این مسیر مهم‌ترین آبراهی است که از طریق آن، نفت و انرژی به اقتصادهای در حال رشد آسیا جابه‌جا می‌شود. بر اساس آمار سال ۲۰۱۱، از ۸۷ میلیون بشکه نفت استخراج شده در هر روز، حدود ۱۵/۲ میلیون بشکه

نفت توسط کشتی‌های نفتکش از این مسیر جابه‌جا شده است، مسیری که کوتاه‌ترین راه بین قاره آفریقا، خلیج فارس و سایر بازارهای جنوب شرق آسیاست. این آبراه با داشتن حداقل عمق ۲۵ متر بهترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای نفتکش‌های بزرگ است.

موقعیت راهبردی جزایر اقیانوس هند تا مدار ده درجه

جزیره سوکوترا / یمن

مجمع الجزایر سوکوترا دربرگیرنده جزیره‌های مرجانی سوکوترا، عبدالکوری، سمهه، درسه و چندین جزیره کوچک‌تر است، که رویهم‌رفته ۳۰۶۲۵ کیلومتر مربع مساحت دارند. فاصله این جزایر تا کرانه‌های خاک اصلی یمن ۳۴۰ کیلومتر و تا کرانه‌های کشور سومالی ۲۵۰ کیلومتر می‌باشد. دو جزیره سمهه و درسه به جزایر برادر (الإخوان) نیز مشهور هستند.



جزیره سوکوترا (ورودی به خلیج عدن)

جزایر سوکوترا در دوران باستان دیوسکوریدس^۱ نامیده می‌شد و برای یونانیان، مصریان و رومیان شناخته شده بود. نام این جزایر حتی در انجیل نیز آمده است. مردمان جزیره مدت‌ها پیرو آئین مسیحیت نسطوری بودند، اما در قرن شانزدهم، به دین اسلام گرویدند. آلبورک دریاسالار پرتغالی این جزایر را در سال ۱۵۰۷ فتح کرد، اما در سال ۱۵۱۱، سلطان مهره این جزایر را از اشغال پرتغال خارج ساخت. در سال ۱۸۸۶، جزایر سوکوترا به بریتانیا تعلق گرفت. بریتانیا از این جزیره به عنوان یک پایگاه دریایی استفاده می‌کرد، که پس از استقلال دولت یمن جنوبی به این کشور واگذار شد.

نزدیک به ۴۳۰۰۰ نفر (برآورد سال ۲۰۰۴) در این جزایر زندگی می‌کنند، که بیشتر سامی تبار هستند. این مردم به گویش سقطری سخن می‌گویند که به برخی از گویش‌های رایج در یمن نزدیک است.

جزایر سوکوترا زیست بومی بسته است؛ به همین دلیل، گونه‌های جانوری و گیاهی منحصر بفردی دارد. نزدیک به یک سوم جانداران این جزایر تنها در همانجا یافت می‌شوند. گونه‌ای درخت که به خون ازدها معروف است، در این منطقه فراوان دیده می‌شود.



زیست بوم جزیره سوکوترا با نگاه به دریا

موقعیت راهبردی جزایر اقیانوس هند تا مدار ده درجه ۰۰۰ ۲۷



زیست بوم جزیره سوکوترا با نگاه به ساحل

جزیره دیه‌گو گارسیا/ پایگاه آمریکا (Erickson,2010)

از جزیره دیه‌گو گارسیا به عنوان نزدیک‌ترین بخش از سرزمین‌های تحت تصرف آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران نام برده می‌شود.



موقعیت جغرافیایی جزیره دیه‌گو گارسیا

جزیره گارسیا به عنوان یکی از مهم‌ترین مکان‌های نظامی فرامرزی ایالات متحده آمریکا است، که با خاک مرجانی در اقیانوس هند واقع شده و به لحاظ سرزمینی، متعلق به بریتانیا می‌باشد. این جزیره طی قراردادی در سال ۱۹۶۶ به مدت ۵۰ سال در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت، که در حال حاضر تا سال ۲۰۳۶ تمدید گردیده است.

دیه‌گو گارسیا بزرگ‌ترین جزیره از شصت جزیره موسوم به مجمع‌الجزایر شاگوس است، که در زیر خط استوا واقع شده است. این جزیره تنها منطقه مسکونی متعلق به بریتانیا در اقیانوس هند می‌باشد، که اکنون شمار زیادی از پرسنل نظامی و پیمانکاران را در خود جای داده است. گفته می‌شود اسم دیه‌گو گارسیا از نام دریانوردی که جزء اولین مکتشفین جزیره بوده، گرفته شده است. جزیره ۷ شکل است، که روی باز آن به سمت شمال و شمال غربی است. ساحلی به طول ۳۷ مایل دارد و ۷ درجه زیر خط استوا قرار دارد. عمق این جزیره ۲۰ الی ۵۰ متر و ارتفاع آن بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ سانتی‌متر بالاتر از سطح دریاست. جزیره دیه‌گو گارسیا در ۳۸۰۰ کیلومتری چابهار، ۳۵۰۰ کیلومتری آفریقا و شرق اندونزی، ۲۰۰۰ کیلومتری هند، ۴۵۰۰ کیلومتری خلیج فارس و ۵۰۰۰ کیلومتری استرالیا ی غربی واقع شده است.



تصویر هوایی جزیره دیه‌گو گارسیا

این جزیره که به علت نزدیکی به ذخایر نفتی در خلیج فارس اهمیت خاصی دارد، از زمان واگذاری به آمریکا دچار تغییرات و تحولات گسترده و عمیقی شد و تجهیزات پیشرفته نظامی و دریایی زیادی در آن مستقر شده است، که تجهیزات سوخت‌رسانی، پشتیبانی، اطلاعاتی، رهگیری، هوایی و دریایی از جمله آنهاست، که دیه‌گو گارسیا را به قدرتمندترین و مجهزترین و البته امنیتی‌ترین پایگاه نظامی آمریکا تبدیل کرد (US Navy- Strategy Emerging Indian Ocean).

این پایگاه که پس از تحولات اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی در ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی، به شدت تجهیز شد، در دوران جنگ سرد نیز نقش بسیار استراتژیکی در مقابله آمریکا با روسیه داشت. زمان جنگ شوروی و افغانستان هم پروازهای جاسوسی آمریکا از این جزیره انجام می‌شد. دیه‌گو گارسیا دارای تجهیزات بسیار پیشرفته نظامی، اطلاعاتی و مخابراتی است. در جنوب این پایگاه، مرکز ارسال پیام (Transmitter Site) قرار دارد که امکان برقراری تماس

میان سواحل، کشتی‌ها و هواپیماها را با مراکز مورد نظرشان فراهم می‌کند. گروه امنیت دریایی (Naval Security Group) نیز در این جزیره مستقر است. این گروه فعالیت‌های فوق سری در زمینه‌های مختلفی در راستای منافع ملی آمریکا دارد، که از جمله آنها می‌توان به هدایت عملیات‌ها و فراهم‌سازی تجهیزات لازم برای دریافت و ارسال سریع پیام‌های سری اشاره کرد. یکی از ناموفق‌ترین عملیات نظامی ارتش آمریکا، که گرفتار شدن بالگردهای نظامی این کشور در شن‌های صحرای طبس ایران بود، از این پایگاه انجام شده بود.

پس از دوران جنگ سرد، آمریکا از دیه‌گو گارسیا برای حملات نظامی متعدد استفاده کرده است. برای مثال، سال ۱۹۹۱ در جنگ اول خلیج فارس با عراق، سال ۲۰۰۲ در حمله به افغانستان و در سال ۲۰۰۳ در حمله به عراق نیز از این پایگاه برای حملات هوایی توسط بمب‌افکن‌های خود استفاده‌های بسیار کرده است. هم‌اکنون نیز بمب‌های پیشرفته لیزری و نفوذکننده در زمین موسوم به bunker buster در کنار بمب‌افکن‌هایی نظیر B1 Lancer و B52 در این زرادخانه بزرگ آمریکایی مستقر هستند. همچنین، واحد مرکزی برای بررسی اطلاعات ماورای جوی این کشور نیز در جزیره فوق مستقر شده است (Welcome to Diego Garcia- us navy)

رسانه آمریکایی لوس آنجلس تایمز نوامبر گذشته در گزارشی خبر داد سه زیردریایی اسرائیلی به نام «دلفین» برای استقرار در دریای عمان به منظور آمادگی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای نطنز، اراک و بوشهر و نقطه‌ای در جنوب تهران در این جزیره مستقر شده و به ۲۴ موشک هارون قادر به حمل کلاهک هسته‌ای مسلح شده‌اند، اما بعد مقامات ایران به شدت اسرائیل را از هرگونه ماجرا آفرینی بر حذر داشتند. ساکنین این جزیره که در حال حاضر نیروهای واکنش سریع هستند، این مکان را شکارگاه تروریست‌ها می‌خوانند، زیرا بخش عمده‌ای از عملیات‌های نظامی آمریکا به رهبری بوش علیه تروریست از این نقطه هدایت می‌شود.

در این جزیره، حدود ۱۷۰۰ نظامی آمریکایی، ۱۵۰۰ پیمانکار غیرنظامی و ۵۰ سرباز انگلیسی ساکن هستند. کوچک‌ترین جسمی که به این جزیره نزدیک

شود با تهدید روبه‌رو خواهد شد. با همه این اوصاف و با وجود بایکوت خبری موجود در پیرامون این موضوع، دلایل زیادی وجود دارد که از سرنوشت ابهام‌آمیز جزیره دیه‌گو گارسیا حکایت می‌کند؛ دلایلی که بیشتر از هر چیز بر نابودی این جزیره در اثر سونامی و یا دلایل طبیعی دلالت می‌کند، زیرا:

۱. جزیره‌ای که بیشتر از ۱۴۰ سانتی‌متر از سطح دریا ارتفاع ندارد، چگونه توانسته است در برابر امواج سونامی که ارتفاع آنها به ده‌ها متر می‌رسیده، مقاومت کرده باشد؟

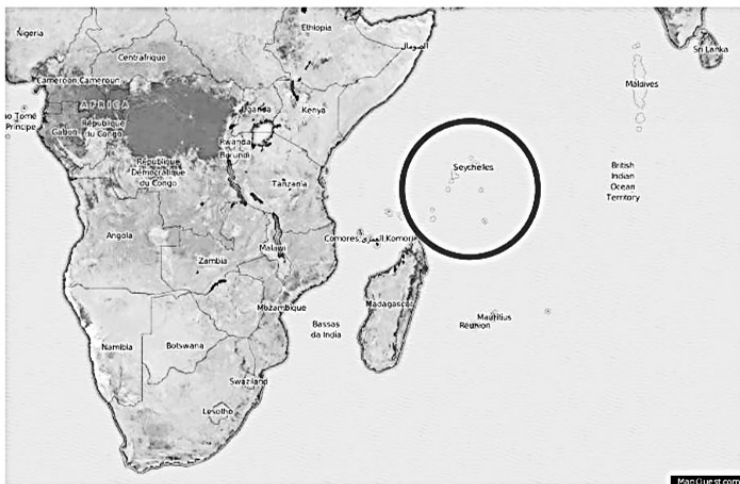
۲. دیه‌گو گارسیا جزیره‌ای است که در اثر عواملی از قبیل زلزله، آتشفشان و تحرکات گسل‌ها بر روی آب آمده است. ویژگی مهم اینگونه جزایر این است که همانگونه که در اثر فعل و انفعالات طبیعی کره زمین ظاهر می‌شوند، با بروز همین عوامل نیز ناپدید می‌شوند.



زمین مرجانی جزیره دیه‌گو گارسیا

جزایر سیشل (کشور سیشل) (دریسل الاسدیر، ۱۹۸۵)

جمهوری سیشل کشوری واقع در اقیانوس هند است و پایتخت آن ویکتوریا نام دارد و از مجمع‌الجزایری شامل ۱۱۵ جزیره تشکیل شده است، که در حدود ۱۵۰۰ کیلومتری خاورخاک اصلی قاره آفریقا واقع شده‌اند. این جزایر در شمال خاوری ماداگاسکار قرار گرفته‌اند. این جزیره یکی از کم جمعیت‌ترین کشورهای آفریقا محسوب می‌شود. شاخص توسعه انسانی آن اما در میان بالاترین‌ها در آفریقا است.



موقعیت جزایر سیشل

سیشل در سال ۱۵۰۱، توسط واسکو دوگاما کشف شد. این جزایر بین سال‌های ۱۷۵۶ و ۱۷۹۴ توسط فرانسویان اداره می‌شد و در سال ۱۷۹۴، به دست انگلیسی‌ها افتاد و در سال ۱۸۱۴، به طور رسمی یکی از مستعمرات بریتانیا محسوب می‌شد. پس از سال ۱۸۳۰، بسیاری از بردگان آزادشده برای سکونت به این جزایر آمدند و از سده نوزدهم، جزایر سیشل یکی از مناطق محبوب گردشگری برای اعیان بریتانیایی بود.

سیشل در سال ۱۹۷۶ استقلال یافت. در ۱۹۷۷، فرانس آلبرت رنه نخست وزیر وقت، کودتایی را بر ضد جیمز مانشام، رئیس جمهوری وقت، رهبری کرد و نظام تک حزبی و سوسیالیستی برقرار ساخت و خواستار عدم تعهد شد. تلاش‌هایی همچون بکارگیری مزدوران آفریقای جنوبی برای سرنگونی رنه انجام شد، اما همه این تلاش‌ها ناموفق بودند. در ۱۹۹۲، انتخابات چند حزبی برگزار شد. جیمز مانشام به سیشل بازگشت و رهبری حزب دموکرات را برعهده گرفت. فرانس آلبر رنه تا آوریل ۲۰۰۴ قدرت را در دست داشت و در آن تاریخ، جیمز میشل که از هم‌حزبی‌های او بود، ریاست جمهوری را عهده‌دار شد. سیشل یکی از اعضای جامعه مشترک‌المنافع انگلستان است (قانع، ۱۳۷۴).

مساحت این جزیره در حدود ۴۴۴ کیلومترمربع است و پایتخت آن شهر ویکتوریا، بزرگ‌ترین جزیره این مجمع‌الجزایر است که ۸۰ درصد جمعیت را در خود جای داده است.



ویکتوریا پایتخت سیشل

آب و هوای سیشل همیشه گرم و مطلوب بوده و هرگز به حد گرما یا سرمای آزاردهنده‌ای نمی‌رسد. دمای هوای سیشل در زمستان به ندرت به کمتر از ۲۴ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و در تابستان هم از ۳۲ درجه بالاتر نمی‌رود. تمامی جزایر سیشل به غیر از دوردست‌ترین جزیره‌های جنوبی آن، در خارج از کمربند طوفان قرار گرفته‌اند. تمامی این شرایط دست در دست هم داده‌اند تا سیشل را به مقصدی مناسب برای دوستداران و علاقمندان خورشید و ساحل در تمام طول سال تبدیل کنند.

در ماه‌های نوامبر تا مارس، این جزایر معمولاً به دلیل وزش بادهای شمال‌غربی خنک‌ترند. میانگین سرعت بادهای ۱۵ الی ۲۲ کیلومتر در ساعت می‌رسد. در این زمان، دریا آرام‌تر و هوا گرم و مرطوب است. ماه‌های دسامبر تا فوریه میانگین بارش در مقایسه با ماه‌های دیگر سال بیشتر است. میانگین روزهای بارانی با بیش از یک میلی‌متر بارش یا بیشتر، به ترتیب در ماه‌های دسامبر، ژانویه و فوریه به مدت ۱۸، ۱۷ و ۱۱ روز می‌باشد. همچنین در این ماه‌ها، آسمان نیمه ابری بوده و آفتاب کمتری می‌تابد. گرم‌ترین ماه‌های سال دسامبر تا آوریل هستند. در این بازه زمانی، رطوبت هوا به حداکثر میزان خود، یعنی در حدود ۸۰٪ می‌رسد. ماه‌های می تا اکتبر هوا خشک‌تر و خنک‌تر و دریا بخصوص در سواحل جنوب‌شرقی، زنده‌تر می‌باشد. سرعت باد در این موقع از سال به ۱۹ تا ۳۷ کیلومتر در ساعت رسیده و میانگین روزهای بارانی ۱۱ روز می‌باشد. در ضمن، مدت زمان تابش آفتاب هم بیشتر است. این روزهای بدون باران معمولاً دو هفته یا بیشتر طول می‌کشند.



سواحل سیشل

جزایر مالدیو (کشور مالدیو) (Lyon,2003)

کشور جزیره‌ای مالدیو در اقیانوس هند و در جنوب غربی هند واقع می‌باشد و کوتاه‌ترین فاصله آن تا کرانه‌های هند ۶۰۰ کیلومتر می‌باشد. شهر ماله پایتخت این کشور است. مساحت این کشور ۲۹۸ کیلومتر مربع بوده، که جمعیتی معادل ۳۲۸ هزار نفر را در خود جای داده و پایتخت آن ۱۰۴ هزار نفر جمعیت در خود جای داده است و این کشور با این تفاسیر، کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور آسیا می‌باشد. مالدیو همچنین کم‌ارتفاع‌ترین کشور از سطح دریا می‌باشد (به طور متوسط ۱/۵ متر از سطح دریا). مردم این کشور به زبان دیوهی صحبت می‌کنند. دیوهی زبانی هندواروپایی می‌باشد، که به زبان سینهالی شباهت دارد. همچنین مردم این کشور هم با همین عنوان دیوهی نیز شناخته می‌شوند و دارای اصلیتی معمولاً هندی - سریلانکایی هستند، که رگه‌هایی از اعراب هم در ترکیب جمعیت آنها دیده می‌شود. دیوهی ساختاری تغییر یافته از واژه دیبجات و دیباجات در زبان فارسی است. کشور مالدیو که سابقاً تحت استعمار انگلیس بود، در سال ۱۹۶۵ استقلال یافت. مردم مالدیو ترکیبی از نژادهای سینهالی، دراویدی، آفریقایی و عرب هستند.



نمایی از موقعیت جزایر مالدیو و سیشل و دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند

شهر ماله پایتخت و بزرگ‌ترین شهر و در واقع، قلب تجاری مالدیو به حساب می‌آید و مرز آبی با کشور سریلانکا دارد. نام ماله از واژه ماهالای اقتباس شده، که در زبان سانسکریت، «خانه بزرگ» معنی می‌دهد، که در واقع، به قصر پادشاه اشاره دارد. ماله مرکز همه فعالیت‌های تجاری این کشور است، که چهار بخش دارد: هنویرو، گالولوهو، مافانو و ماچانگولی. همچنین، این شهر دیدنی‌های بسیار زیادی دارد و نیز دارای فرودگاه مدرنی است و در کل، کشور مالدیو شهرت خاصی در زمینه توریست‌خیز بودن و گردشگری دارد، که بیشتر از بعد غواصی و ایستگاه‌های بسیار غواصی آن مورد توجه است. برخی دیدنی‌های شهر ماله عبارتند از: مسجد جامع، موزه ملی، مقر مولی آگ، مسجد قدیمی، بازار ماهی



پایتخت مالدیو

بنا بر نظر مورخان، مردم کشور مالدیو را یک روحانی ایرانی به نام یوسف تبریزی مسلمان کرده است. از طرفی، در سفرنامه ابن بطوطه نقل شده که فردی به اسم ابوالبرکات بربری از مراکش به آن محل رسیده بود و مردم مالدیو را به دین اسلام فرا خواند (Rabindra Nath Ghosh, 2003).

در قدیم، دریانوردان ایرانی و عرب به آن کشور دیباجات و دیبجات می گفتند. همچنین، دریانوردان و بازرگانان عربی سالها در بنادر این کشور پهلو می گرفتند و گاه به مالدیو جزایر پول می گفتند، چرا که صدفی به نام «کوری» یا «خزمهره»، که صدفی نرم تن و باارزش است، در مالدیو بسیار فراوان یافت می شد و برای این کشور حکم پول را داشت و حتی قبلها برخی به دلیل ریخته شدن این صدفها از دریا به خشکی، مالدیو را سرزمین جادو می خواندند، تا جایی که بر پولهای این کشور، نماد این صدف وجود دارد و در واقع، به گونه ای نماد کشور مالدیو است. مجمع الجزایر مالدیو بر فلات زیرآبی چاگوس - لاکادیو واقع شده است. مالدیو هیچ رودخانه ای ندارد و دارای ۱۱۹۲ جزیره مرجانی است، که وسیع ترین جزیره آن دارای وسعت ۵ کیلومتر مربع است.

مالدیو تپه ماهور و رودخانه‌ای ندارد. جزایر مالدیو در پهنه آبی در حدود ۹۰ هزار کیلومتر مربع پخش هستند، ولی کل مساحت خشکی مالدیو تنها ۲۹۸ کیلومتر مربع است. از میان این تعداد جزایر، ۲۰۰ عدد از جزیره‌ها مسکونی و ۸۸ جزیره دیگر دارای اقامتگاه‌هایی برای گردشگران و توریست‌ها می‌باشد. میانگین دمای این کشور ۲۴ تا ۳۳ درجه سانتی‌گراد و آن هم تحت تأثیر اقیانوس هند می‌باشد و اگرچه آب و هوای این کشور به شدت شرعی است، اما بادهای مداوم و خنک دریایی باعث اعتدال گرما و رطوبت می‌شوند. مالدیو کشوری دو فصل است، فصل خشک و بارانی، که فصل بارانی آن با طوفان و باد همراه بوده و از اواخر آوریل تا اواخر ماه اکتبر ادامه دارد. آب مراکز اقامتی به صورت لوله‌کشی بوده و غیر قابل نوشیدن هستند.

حکومت مالدیو جمهوری است و مالدیو عضو اتحادیه کشورهای همسود^۱ می‌باشد. همچنین، این کشور پس از سال‌ها حکومت غیر دموکراتیک، در سال ۲۰۰۸، برای اولین بار شاهد انتخابات آزاد بود، که به دنبال آن آقای محمد نشید به ریاست جمهوری رسید، اما دولت او چندی بعد در اثر کودتای نظامی منحل شد. از نوامبر ۲۰۱۳، عبدالله یمین رهبر حزب «پیشرو» ششمین رئیس جمهور این کشور است. وی برادر ناتنی مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور مستبد پیشین مالدیو است. یمین بر پیروی از محافظه‌کاری مذهبی، تأکید کرده است. دین رسمی این کشور اسلام است، که پیروی علنی و در ملاء عام از ادیان دیگر جرم بوده و پیگرد قانونی دارد. به غیر از این، بسیاری از انتقادات بین‌المللی نسبت به مالدیو در راستای نقض حقوق بشر وجود دارد. از جمله، دستگیری‌های غیرقانونی، شلاق زدن دختران نابالغی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، بدرفتاری شدید با کارگران مهاجر که یک‌سوم جمعیت مالدیو هستند و... همچنین، دولت یمین

۱. کشورهای همسود (Commonwealth of Nations) یا کشورهای مشترک‌المنافع اتحادیه‌ای از مجموعه

۵۳ کشور مستقل است، که تمامی آنها بجز کشورهای موزامبیک و کامرون، قبلاً از مستعمرات امپراطوری

بریتانیای کبیر بوده‌اند.

قانون‌هایی را که به پیروان ادیان دیگر اجازه انجام فرایض دینیشان را می‌دهد، سخت‌تر کرده است.

مهم‌ترین منبع درآمد مالدیو صنعت گردشگری است و بعد از آن، صنعت شیلات و ماهیگیری دومین صنعت بزرگ این کشور است و حدود ۲۰ درصد از نیروی کار این کشور به این حرفه مشغولند. در جزایر این کشور، هتل‌هایی بسیار زیبا و مدرن برای اقامت توریست‌ها ساخته شده است و اکثر کارمندان آن از مهاجران کشورهای همسایه هستند. سران اقتصادی مالدیو تخمین زده‌اند که ۷۰ درصد اقتصاد و ۹۰ درصد ارز خارجی کشور را به طور غیرمستقیم گردشگران خارجی تأمین می‌کنند (سعیدیان، ۱۳۷۵: ۲۷۷).



نمایی هوایی از جزایر مالدیو

اسلام دین رسمی این کشور بوده و مردم آن مردمی سنی و پایبند به دینشان هستند. این دین از قرن دوازدهم به این کشور آمده، اما قبل‌تر از آن مردم مالدیو بودا بوده‌اند. مصرف الکل برای مردم محلی منع قانونی دارد، ولی کشتی‌های

تفریحی مجاز به سرو الکل هستند و همچنین مسافران خارجی می‌توانند در ماله الکل خریداری کنند، اما اکثر مردم این کشور الکل مصرف نمی‌کنند و فقط کمی در قشر جوان جامعه دیده می‌شود.

فرهنگ این کشور بسیار زیاد تحت تأثیر فرهنگ کشورهای همسایه خود (سریلانکا و هند) است. با تغییر دین مردم این کشور از بودایی به اسلام در سده ۱۲، شاهد تأثیر این دین و فرهنگ بر فرهنگ و میراث این کشور هستیم. از ورزش‌های محبوب مردم این کشور می‌توان به فوتبال، بای بالا، والیبال ساحلی، کریکت اشاره کرد و از محصولات اصلی فرهنگی این کشور می‌توان حصیربافی، خطاطی، مجسمه‌های چوبی، قایق‌هایی از جنس چوب نارگیل و... را نام برد. ماهی تن از پایه‌های اصلی در اکثر غذاهای مالدیو است. غذاهای مالدیو اغلب گرم، تند و با ادویه‌جات متنوع و بویژه نارگیل است و غذاهای سنتی آنها متشکل از برنج، ماهی پاک کرده، لیمو ترش، چیلی و پیاز می‌باشد.

توان نظامی آمریکا (دشمن) در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند

پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه

منطقه غرب آسیا از مناطقی است که با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، بیشترین تغییرات را در این زمینه داشته و نگاه‌های بسیاری را متوجه خود کرده است. چنین برآورد می‌شود که تا سال ۲۰۱۷، بیش از ۴۰ هزار تن از کارکنان نظامی آمریکایی در منطقه غرب آسیا مستقر گردند، که به علت حساسیت‌های سیاسی و نظامی، توزیع دقیق آنها در سطح کشورهای منطقه مشخص نیست (علی محمدپور، ۹۴)

از مجموع پایگاه‌های نظامی آمریکا، واشنگتن در منطقه غرب آسیا و اطراف ایران بیش از ۵۰ پایگاه نظامی دارد (قالیباف، ۱۳۸۷: ۵۳)؛ لذا شناخت پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا با توجه به تهدیدات روزافزون این کشور، دارای اهمیت بسیار است.

ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی در چهارچوب استراتژی کلان قدرت‌های بزرگ به منظور تأمین نظم و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش حوزه نفوذ، حفظ منافع، دفع تهدید، مهار قدرت‌های رقیب، تسهیل مداخله احتمالی در کشورهای دیگر و مهیا کردن زیرساخت‌های لازم برای جنگ صورت می‌گیرد. پایگاه‌های نظامی ستون فقرات ساختار نظامی آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. این پایگاه‌ها به طور مستقیم در خدمت قدرت‌های بزرگ برای عملیات مختلف، اعم از سرنگونی دولت‌ها یا اعمال فشار در مذاکرات و...

دیپلماتیکند. این پایگاه‌ها وظیفه دارند تا کشورهایی را که خطر بالقوه‌ای برای آمریکا به شمار می‌روند، کنترل کنند (Van der Zeijden, 200).

قدرت‌های بزرگ به منظور برتری در توازن قوا، ثبات استراتژیک و گسترش حوزه نفوذ در مناطق خاصی از جهان، پایگاه‌های نظامی ایجاد می‌کنند. حضور طولانی مدت یک کشور در کشور میزبان ممکن است به بروز مشکلات سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی به شکل ذیل منجر شود:

- بی‌ثباتی سیاسی
- تضعیف امنیت منطقه‌ای و آسیب‌پذیری نسبت به حملات خارجی
- از دست دادن حاکمیت مؤثر کشور میزبان بر بخشی از خاک خود
- تست سلاح‌های جدید، از جمله مواد شیمیایی و سلاح‌های هسته‌ای در کشور میزبان

بر اساس تئوری توازن قدرت، با توجه به افزایش تهدیدات علیه آمریکا، این کشور درصدد ایجاد پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان است. بعضی از حوادث بین‌المللی مثل پایان جنگ سرد، می‌توانست به پایان حضور نظامی آمریکا در بعضی از مناطق جهان منجر شود، ولی از دیدگاه سیاست داخلی نیز، دلایلی برای حضور نیروهای خارجی در کشورهای دیگر مطرح می‌شود، مثلاً آینده غیرقطعی محیط امنیتی و نیاز به مقابله با تهدیدهای بالقوه از دلایل تداوم حضور نظامی است، که آمریکا به آن علاقمند است (Tsukuba 2012; 29)

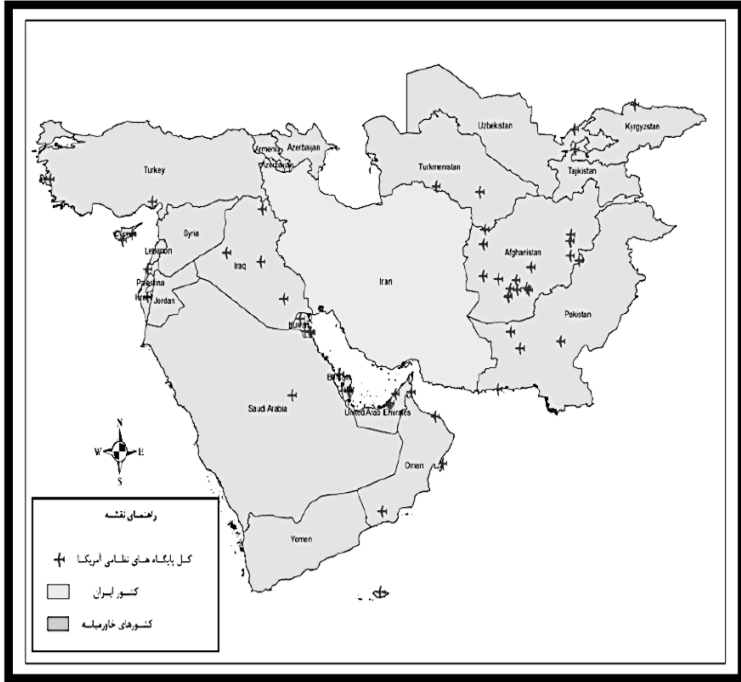
توان نظامی آمریکا (دشمن) در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند ۴۳

ردیف	نام پایگاه		کشور فرارگیری	نام پایگاه		ردیف
	انگلیسی	فارسی		انگلیسی	فارسی	
۱	Bashur	واشور	ترکیه	Zmir	ازمیر	۱
۲	Habbaniyah	حبابیه	ترکیه	Incirlik	انجیرلیک	۲
۳	Tallii (Enam Ali)	تلیل (امام علی علیه السلام)	قبرس	Dhekeia	دایکیلیا	۳
۴	Pasni	پسنی	قبرس	Akrotiri	آکروتیری	۴
۵	Jacobabad	جیکب آباد	فلسطین اشغالی	Haifa	حیفا	۵
۶	Dalbandin	دالباندین	فلسطین اشغالی	Dimona	دیمونا	۶
۷	Shamsi	شمسی	عربستان سعودی	Eskan Village	اسکان ویلیج	۷
۸	Dwyer	دویر	یمن	Socotra	سُقطرا	۸
۹	Delhi	دهلی	عمان	Thumrait	ثمریت	۹
۱۰	Ramrod	رمراد	عمان	Masirah	مصیره	۱۰
۱۱	Nathan Smith	ناتان اسمیت	عمان	Seeb	سبب	۱۱
۱۲	Kandahar	قندهار	امارات	Fujairah	فجیره	۱۲
۱۳	Bastion	بستن	امارات	Jebel Ali	جبل علی	۱۳
۱۴	Robinson	رابینسون	امارات	Abu Dhabi	ابوظبی	۱۴
۱۵	Delaram	دلارام	امارات	ALDhakra	الظفره	۱۵
۱۶	Tinsley (Uruzgan)	تینزلی (روزگان)	قطر	Udeid AI	العدید	۱۶
۱۷	Shindand	شیندند	قطر	Sayliyah	سلیه	۱۷
۱۸	Gardez	گردیز	بحرین	Sheikh Issa	شیخ عیسی	۱۸
۱۹	Chapman	چپمن	بحرین	Juffair	الجفیر	۱۹
۲۰	Eggers (Kabul)	پایگاه اگز	بحرین	Muharraq	المحرق	۲۰
۲۱	Phoenix	فینیکس	کویت	Patriot	پاتریوت	۲۱
۲۲	Bagram	بگرام	کویت	Arifjan	عریفجان	۲۲
۲۳	Farah	فراه	کویت	Ahmed Al Jaber	احمد ال جابر	۲۳
۲۴	Ashgabat	عشق آباد	کویت	Buehring	بوهرینگ	۲۴
۲۵	Mary	مرو	عراق	Baghdad International Airport	فرودگاه بین‌المللی بغداد	۲۵
۲۶	Manas	مناس	ترکمنستان	Kushka	کوشک	۲۶
۲۷	Khujand	خجند	ازبکستان	Chirchik	چیرچیق	۲۷

پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه

پایگاه‌های نظامی آمریکا در راستای اهداف محض نظامی نیست، بلکه در چهارچوب ترویج اهداف اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری آمریکا قابل بررسی است. برای مثال، شرکت‌های ایالات متحده در صدد ساخت و کنترل خط لوله نفت و گاز طبیعی از دریای خزر در آسیای مرکزی از طریق افغانستان و پاکستان هستند. این منطقه حدود ۶ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت و تقریباً حدود ۴۰ درصد ذخایر گاز دارد. جنگ علیه افغانستان و ایجاد پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی به عنوان فرصتی کلیدی برای ایجاد چنین خط لوله‌ای قابل تفسیر است (DuFour, 2014). روند توسعه اقتصادی و عطش کنترل بر منابع و ذخایر زیرزمینی، آمریکا را به این منطقه کشانده است. کنترل منابع زیرزمینی، نظامی،

سیاسی و اقتصادی اوراسیا از اهداف مهم آمریکا در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی است و هدف جنگ و ایجاد پایگاه‌ها برای کنترل آمریکا بر خاورمیانه و منابع عظیم نفتی خاورمیانه است.



تصویر پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه

ناوگان پنجم آمریکا (Overseas Basing of U.S, 2013)

سران آمریکا که سال‌هاست تلاش می‌کنند هژمونی خود را، بویژه در منطقه راهبردی غرب آسیا گسترش دهند، به بهانه حمایت برخی کشورهای وابسته و متحد خود در خاورمیانه و خلیج فارس، به استقرار پایگاه پنجم نیروی دریایی در بحرین اقدام کرده‌اند.

کاخ سفید مدعی است که هدف از استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا حفظ و حراست از منافع این کشور در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج عدن و بخشی از اقیانوس هند است. تا پیش از لشکرکشی صدام - دیکتاتور سابق عراق - به کویت و به خطر افتادن منافع آمریکا در خاورمیانه هیچ کس نامی از بحرین و ایفای نقش آن در منطقه به میان نیاورده بود، ولی بعد از این حمله، این کشور کوچک یکباره مورد توجه آمریکایی‌ها قرار گرفت، تا از این کشور به عنوان پایگاهی برای پشتیبانی جنگنده‌های آمریکایی استفاده شود.

بحرین و آمریکا در سال ۱۹۷۱ توافقنامه نظامی مشترکی را امضا کردند، که براساس آن، زمینی به مساحت ۴۰ کیلومترمربع در اختیار آمریکایی‌ها قرار گرفت. در ژوئیه ۱۹۷۳، توافقنامه اخیر دوباره در دستور کار دو کشور آمریکا و بحرین قرار گرفت و در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷، به توافقنامه دیگری تغییر کرد. بر اساس توافقنامه جدید، نیروی دریایی آمریکا از تسهیلات گسترده‌ای در بندر سلمان بحرین برخوردار می‌شد.

همچنین، از سال ۱۹۹۳ نیز، فرماندهی منطقه‌ای نیروی دریایی آمریکا در بحرین مستقر شد و ژوئیه ۱۹۹۵ هم بحرین میزبان ناوگان پنجم دریایی آمریکا شد. آمریکا بر اساس توافقنامه همکاری دفاعی که با بحرین به امضا رسانده بود، از امکانات و تسهیلات بسیاری در فرودگاه‌ها و بنادر بحرین برخوردار شد.

ارائه این تسهیلات به آمریکایی‌ها پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، بویژه در فرودگاه المحرق، بندر سلمان، پایگاه هوایی شیخ عیسی و پایگاه نظامی الجفیر در نزدیکی منامه افزایش یافت. ناوگان پنجم دریایی آمریکا هم اکنون در پایگاه نظامی الجفیر مستقر است.

با اینکه دولت بحرین استفاده از این پایگاه برای انجام هر اقدامی علیه ایران را ممنوع کرده، اما جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده در صورت تجاوز به ایران، ناوگان پنجم یکی از ۳۷ هدفی است که به شدت مورد حمله قرار خواهد گرفت. نیروی دریایی آمریکا دارای ۷ ناوگان فعال است، که شامل ناوگان دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم به اضافه ناوگان «رزرو» نیروی دریایی و ۶ ناوگان

غیرفعال است، که ناوگان یکم، هشتم، دهم، دوازدهم، ناوگان سفید بزرگ و ناوگان آسیایی را دربرمی‌گیرد.

اسکله ناوگان پنجم

این اسکله در بخش غربی شهر منامه پایتخت بحرین قرار دارد و به طور معمول، پذیرای ۲ الی ۴ ناوشکن در آن واحد است، ولی حدود ده فروند ناو می‌توانند در آن پهلو بگیرند. تعدادی شناور تندرو هم در این پایگاه حضور دارند. در جوار آن نیز، یک فرودگاه نظامی برای فرود بالگردها و هواپیماهای نیروی دریایی آمریکا وجود دارد.

ناوشکن‌های موجود در آن از نظر ظاهری به ناوشکن جماران ایران شباهت نسبی دارند، ولی سامانه‌های موشکی، پدافندی و جنگ الکترونیک آنها پیشرفته‌تر است. بیشتر ناوها به گشتزنی در محدوده آب‌های بین‌المللی خلیج فارس و غیرسرزمینی ایران می‌پردازند و بقیه به صورت رزرو در اسکله پنجم بحرین می‌مانند.



رژه ناوگان آمریکا در اقیانوس هند

وظایف ناوگان پنجم

به ادعای واشنگتن، این ناوگان وظیفه حفظ و حراست از منافع آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، خلیج عدن و بخشی از اقیانوس هند را بر عهده دارد. گروه ۱۵۸ ناوگان پنجم به عملیات در بخش شمالی خلیج فارس می‌پردازد. ناوگان پنجم دریایی آمریکا دست کم یک ناو هواپیمابر را به طور دائمی در خلیج فارس و یک گروه، شامل ناو هواپیمای دیگر و ناوها و زیردریایی‌ها را در بیرون از خلیج فارس مدیریت می‌کند. مأموریت‌های مختلفی برای این پایگاه تعریف شده و همان‌طور که گفته شد، حفاظت از منافع آمریکا در خلیج فارس از مهم‌ترین این وظایف است.

ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا ابزار انتقال قدرت این کشور در منطقه خلیج فارس است. این ناوگان مجموعه‌ای از شناورها، پرنده‌ها، نیروهای آبی/خاکی، نیروهای اطلاعاتی و سیستم‌های جمع‌آوری اطلاعات سیگنالی و همچنین جنگ الکترونیک است.

تعداد و نوع شناورهای ناوگان پنجم برابر آخرین اطلاعات دریافتی از منبع "واشینگتن پست" در سال ۲۰۱۷ (Washingtonpost, 2017)، شامل دو فروند ناو هواپیمابر، ۲۰ فروند از انواع ناوشکن‌ها، ۱۰۳ فروند از انواع هواپیماهای شکاری / بمب‌افکن و حدود ۲۰ هزار نیروی انسانی است.

لازم به ذکر است ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا برای انجام عملیات در منطقه از پایگاه‌های هوایی که با استفاده از معاهدات دوطرفه با کشورهای منطقه، اجازه استفاده از آنها را به دست آورده است نیز استفاده می‌کند. در کنار این موارد، کشورهای سواحل جنوبی خلیج فارس نیز به صورت مشروط و یا با اطلاع قبلی اجازه استفاده از زیرساخت‌های نظامی خود را به نیروهای آمریکایی اعطا نموده‌اند.

حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه تنها یک حضور نظامی صرف نبوده و موجبات وابستگی‌هایی را در زمینه‌های حکومتی، سیاسی و نظامی در کشورهای منطقه ایجاد کرده است.

راهبردهای دفاع دریایی آمریکا در دریای عمان و اقیانوس هند

سند راهبرد امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۵

این سند که محتوای آن محصول مذاکرات طولانی میان شورای امنیت ملی کاخ سفید، پنتاگون، سازمان سیا و وزارت امور خارجه است، بیشتر شبیه بیانیه یک سازمان خیریه است تا استراتژی امنیت ملی آمریکا. رئیس جمهوری آمریکا روز جمعه ۶ فوریه ۲۰۱۵ از استراتژی جدید امنیت ملی آمریکا پرده برداشت؛ این استراتژی ترکیبی بود از وعده‌های سیاست خارجی پیشین او و چالش‌های حل‌نشده. آن‌طور که رئیس جمهوری آمریکا تشریح کرد، جلوگیری از پیوستن نیروهای جدید به داعش در سوریه و عراق و ادامه نظارت بر القاعده از اولویت‌های استراتژی امنیت ملی آمریکاست. هرچند رویهم‌رفته، رئیس جمهوری آمریکا نسبت به مداخله نظامی در جنگ‌های جدید ابراز بی‌میلی کرده و گفته آمریکا نباید مسیر وقایع سراسر جهان را دیکته کند، با این حال، سندی که ارائه گردید، سرشار از تهدیدات آمریکا علیه روسیه بود. دولت آمریکا اکنون در حال بررسی ارائه مستقیم اسلحه به کی‌یف است؛ اقدامی که می‌تواند بی‌درنگ به جنگ مستقیم با روسیه منجر شود و رئیس جمهوری آمریکا در حالی به فکر تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه روسیه به عنوان مهاری نرم است که تلاش می‌کند دولت اوکراین را مسلح کند. به نظر می‌رسد استراتژی مهاری نرم از آن روست که او امیدوار است با همکاری «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری روسیه، بتواند مناقشه سوریه را حل و فصل کند؛ مناقشه‌ای که اکنون به جنگ عراق گره خورده است.

رئیس‌جمهوری آمریکا به مهم‌ترین چالش‌های موجود، از افراط‌گری تا آنچه غرب دخالت‌های روسیه در اوکراین می‌نامد یا مسائلی مانند تغییرات جوی و حملات سایبری اشاره کرده است و می‌گوید بهترین راه حل چنین چیزهایی با اجماع جهانی حاصل می‌شود. در عین حال، از سیاست‌های واشنگتن در مسائلی مانند مقابله با برنامه هسته‌ای ایران دفاع کرده و می‌گوید: رهبری ایالات متحده در چنین مواردی «موفقیت‌آمیز» بوده است.

استراتژی دیگر رئیس‌جمهوری آمریکا مقابله با تهدیدات مبهمی است که با بهداشت عمومی، نابرابری و اقتصاد جهانی متزلزل گره خورده است.

شاید موردی که بیش از همه در اصول سیاست خارجی اخیر رئیس‌جمهوری آمریکا خودنمایی می‌کند، عراق باشد؛ همانی که بدون آن تصور پیروزی رئیس‌جمهوری آمریکا در ریاست‌جمهوری هم دشوار بود. در این سند، رئیس‌جمهوری آمریکا به آمریکایی‌ها وعده داد که با تمرکز بر دیپلماسی و روی‌گردانی از مداخله بیش از حد در رویدادهای در حال وقوع، با تهدیدهای بی‌شمار امنیتی و اجتماعی مقابله خواهد کرد. مصداق‌های تهدید علیه امنیت ملی، حمله فاجعه‌بار به خاک آمریکا یا متحدان نزدیک این کشور، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و بی‌ثباتی کشورهای است که شرایط آنها می‌تواند به جرم و جنایت سازمان‌یافته منجر شود، اما این مصداق‌ها به قدری کلی تعریف شده‌اند که می‌توانند هر کشوری در جهان را دربرگیرند. این استراتژی از تمرکز کل سیاست خارجی آمریکا روی یک تهدید یا یک منطقه اجتناب می‌کند. در عوض، بر مجموعه‌ای متنوع و پیگیری منافع در بخش‌های مختلف جهان متمرکز می‌شود. به عبارت دیگر، به جای رویکرد وسواس‌گونه بوش به خاورمیانه، برای رئیس‌جمهوری آمریکا، همه جهان عرصه عمل آمریکاست و هیچ کشوری وجود ندارد که آمریکا به چشم حیاط‌خلوت به آن نگاه نکند.

محورهای مهم این سند راهبردی عبارتند از:

(۱) کاهش ۲۰ درصدی بودجه نظامی

(۲) تعطیلی برخی از پایگاه‌ها

(۳) تغییر اولویت‌ها

(۴) تمرکز بر منطقه آسیا، اقیانوس آرام

(۵) تغییر استراتژی نظامی و تمرکز ۶۰٪ از توان نظامی در آسیا، اقیانوس

آرام

(۶) مهار توان هسته‌ای ایران

(۷) تمرکز بر ایران و چین

دکترین آمریکا

در طول ۴۰ سال گذشته، غرب به رهبری آمریکا عملاً جنگ نرم مدرن را علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته و در دهه اخیر نیز، پس از ناکامی‌ها در جنگ سخت (نظامی، اقتصادی) علیه ایران، بکارگیری این جنگ را با تحولات ارتباطی - اطلاعاتی به اوج خود رسانده است.

جنگ نرم چهل ساله غرب علیه جمهوری اسلامی به دو نوع جهان‌بینی مادی و الهی بازمی‌گردد.

قران کریم نیز ۱۴۰۰ سال قبل به جنگ نرم به عنوان تضاد اصلی اسلام و کفر اشاره می‌کند:

«لا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان استطاعوا» (بقره) دشمنان دائم با شما در حال جنگ (نظامی، اقتصادی و فرهنگی) هستند تا شما را از دینتان برگردانند، اگر بتوانند.

و یا «لن ترضی الیهود و لا النصارى» (بقره) یهود و نصاری از تو راضی نمی‌شوند تا اینکه تو از دینت دست برداری و به دین آنها درآئی).

دنایای مدرن امروز به جهان بر اساس سکولاریسم (دنیاگرایی و قطع رابطه با ماوراءالطبیعه، یعنی خدا، انبیاء، معاد...) می‌نگرد. به اعتقاد غرب مدرن، دنیا خودش می‌تواند خود را **تبیین کند**. این علم (تجربی) حس‌گرائی محور است؛ چون خدا و معاد را با حس و تجربه نمی‌شود اثبات کرد، پس باید کنار گذاشت.

بعد هم می‌گوید حرف‌های دین (جهان‌بینی الهی) علمی (تجربی) نیست، پس باید آن را کنار گذاشت.

در دکترین آمریکا، این امر مطرح است که ایران امروز یک قدرت فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی شده و دیگر پس از سه دهه و اندی تجربه و شکست، نمی‌توان آن را از طریق جنگ سخت نابود کرد. باید از طریق جنگ نرم، یعنی تجربه موفق علیه شوروی سابق با پیشرفت‌های جدیدی که در این حوزه شکل گرفته، آن را از درون فروپاشید. ایران در حدود چهار دهه گذشته، با قدرت نرم خود و بکارگیری آن علیه غرب و آمریکا باعث ایجاد بحران مقبولیت و محبوبیت برای آمریکا در نظام بین‌الملل شده و حس تنفر علیه آمریکا را در جهان ایجاد کرده است، که باید با همین قدرت (نرم) با آن مقابله و آن را مهار و متزلزل کرد.

علیرغم دیدگاه فوق، آمریکا هیچ‌گاه تفکر راهبردی و نظامی جنگ سخت علیه ج.ا.ا را نادیده نگرفته و همواره سعی نموده آن را به عنوان یک گزینه در اختیار داشته و مطرح نماید.

موضوع راهبرد شبکه قدرت و راهبرد چرخش به شرق و تقویت استقرار نیروها در خلیج فارس و دریای عمان و شرق آسیا و اقیانوسیه، خارج از این دیدگاه نبوده و منطبق بر راهبرد نظامی این کشور می‌باشد.

راهبرد شبکه قدرت آمریکا ((FORCenet Implementation Strategy, (2005)

ستاد عملیاتی ارتش آمریکا نظریه شبکه قدرت را با نظریه قدرت دریایی در قرن ۲۱، که موضوع آن تغییر و تحول کلی در نیروهای مسلح بود، با هم درآمیخت و تعریف زیر را برای شبکه قدرت اتخاذ نمود:

« شبکه قدرت یک ساختار عملیاتی و چهارچوب معماری برای نبرد ارتش در عصر اطلاعات است، که بر اساس آن، نیروهای رزمی، حس‌گرها، شبکه‌های ارتباطی، فرماندهی و کنترل، سکوها و تسلیحات به صورت یک نیروی رزمی

غیرمتمرکز و پراکنده از طریق شبکه ارتباطی به هم پیوند داده شده و در همه سطوح نبرد، از بستر دریا تا فضا و از دریا تا خشکی ادامه می‌یابد.»

شبکه قدرت قابلیت عمل فوق‌العاده‌ای داشته و انجام طیف وسیعی از مأموریت‌های متنوع را با سرعت و کارایی بالا موجب می‌گردد. این قابلیت‌ها عبارتند از: آگاهی مشترک، همکاری مشترک، تحلیل اتوماتیک اطلاعات خام، ترکیب‌سازی اطلاعات، پشتیبانی تصمیمات تاکتیکی (به کمک یک نرم‌افزار)، فراهم‌سازی مقدرات استفاده از تجهیزات مشترک، انطباق زمانی نیروها، قابلیت ترکیب سریع نیروها، تلفیق اتوماتیک حس‌گرهای جدید برای تشکیل یک تصویر مشترک جدید، قابلیت ترکیب واکنش نیروهای متحد در زمان واقعی و سرعت و قطعیت صدور فرمان.

شبکه اطلاعات جهانی شبکه قدرت

اگرچه شبکه قدرت یک برنامه نیست، لیکن برنامه‌های مربوط به آن روی نیروهای مشترک تأثیر مشترک خواهد داشت. موارد اطلاعاتی شبکه قدرت توسط وزارت دفاع آمریکا در قالب شبکه‌های ارتباطی و مجموعه اطلاعاتی یک شبکه اطلاعاتی جهانی، طراحی گردید، تا ضمن توسعه لازم، بتواند به عنوان بخشی از نیاز اطلاعاتی شبکه قدرت عمل نماید.

شبکه اطلاعات جهانی تعهد نموده که پهنای باند ارتباطات، فشار و قیدی را بر طراحی سیستم تحمیل نموده و با تکیه بر این تعهد، آژانس سیستم‌های اطلاعاتی دفاعی آمریکا تشکیلاتی با محوریت اطلاع‌رسانی را طرح‌ریزی نموده است که مزیت‌های فراوانی را دربرداشته و ظرفیت برقراری ارتباطات را چندین برابر نموده است.

مه جنگ

عملیات شبکه محور قدرت عمل نیروی دشمن را افزایش داده، تا از سردرگمی‌ها و تردیدها، که غالباً به "مه جنگ" از آنها یاد می‌شود، بکاهد. همچنین، عملیات شبکه‌محور انعطاف‌پذیری و اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری را افزایش داده و آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهد. علیرغم

توانمندی یادشده، موارد اطلاعاتی نیاز به یک سری ویژگی‌های اساسی دیگر دارد، تا این امور با سرعت بهتری ممکن گردند.

این ویژگی‌ها عبارتند از:

- دسترسی آسان و همه جانبه
- تضمینی و قابل اعتماد بودن
- ارتباط مناسب ضمن پرهیز از مسائل متفرقه
- قابلیت ترکیب عملکرد نیروهای شبکه محور
- گنجایش مناسب باند و بموقع بودن اخبار

البته هریک از این ویژگی‌ها بسیار چالش‌پذیر بوده و در واقع، بعضی از آنها ورای شرایط کنونی می‌باشند.

دسترسی آسان و همه جانبه

درک این نکته که یک نیروی شبکه محور نیرویی است که کاملاً به شبکه ارتباطی وابسته است، از واجب‌ترین ضروریات می‌باشد. این واقعیت باعث می‌شود که سه ضرورت بر شبکه ارتباطی و عملیاتی، که آن را به کار می‌گیرد، حاکم شود:

- شبکه ارتباطی باید بی‌نهایت نیرومند و تکامل یافته باشد، به نحوی که بخش‌های تکامل یافته آن بتواند فقدان احتمالی بعضی بخش‌های دیگر را جبران کند.
- از آنجایی که فقدان بخشی از شبکه ارتباطی احتمالاً باعث کاهش ظرفیت و قابلیت آن خواهد شد، عملیات باید به سرعت خود را با کاهش سطح ارتباطات هماهنگ نماید و لازم است که برای عملکرد در هر سطحی از کاهش ظرفیت، آموزش‌های لازم داده شود.
- از آنجایی که احتمال زیادی وجود دارد که ارتباط بعضی سکوها (مانند شناورها یا هواپیماها) به طور کلی قطع شود، آنها باید توانایی مستقل و مکفی برای ادامه عملیات مؤثر در چنین شرایطی را داشته باشند.

تضمینی و قابل اعتماد بودن

نیروهای نظامی باید بتوانند به شبکه ارتباطی و اطلاعات آن اعتماد و تکیه نموده، بدون ذره‌ای نگرانی از اینکه مبدا اطلاعاتی که آنها استفاده می‌کنند توسط اقدامات عمدی دشمن آلوده شده، یا اینکه دشمن به داخل شبکه نفوذ نموده و یا این احتمال که کل شبکه در حین حمله دشمن ممکن است ناگهان قطع و یا خللی در ارتباطات ایجاد شود.

پرهیز از مسائل متفرقه (دردسرساز)

از مزیت‌های آشکار عملیات شبکه‌محور، آن است که نیروهای عملیاتی می‌توانند از طریق تصویر عملیاتی مشترک، در یک نگاه، موقعیت جاری خود و موقعیت نیروهای خودی مجاور خود و نیز موقعیت‌های تقریبی نیروهای دشمن را تشخیص دهند.

قابلیت ترکیب عملکرد نیروهای شبکه‌محور

سیستم مهندسی امروزی با محدود و معین کردن مسئله و تجزیه سیستم بزرگ‌تر به یک سری سیستم‌های فرعی کوچک‌تر با الزامات ناشی از آن، سیستمی قابل اعتماد بنا می‌کند. بعداً این سیستم‌های فرعی را می‌توان در یک سیستم کلی با اطمینان با هم جمع نمود، به نحوی که نتیجه آن دربرگیرنده اهداف مورد نظر از قبیل: قابلیت اعتماد، به موقع بودن، دقت و صحت و نظایر آن باشد.

گنجایش مناسب و بموقع بودن اخبار

در نهایت، در اصلی‌ترین سطوح، موارد شبکه ارتباطی باید پهنای باند مناسبی را تدارک ببینند و همچنین، باید اطلاعات را در مدت زمان مناسبی که در هنگام دریافت هنوز قابل استفاده باشند، ارائه دهد. این امر، حتی زمانی که سیستم‌های ماهواره‌ای جدید و شبکه‌های ارتباطی رادیویی در محل قرار دارند و مستقیماً اطلاعات را به یکدیگر منتقل می‌کنند، احتمالاً چالش مهمی برای نیروهای رزمی (دریایی) خواهد بود، زیرا برقراری ارتباط با سکوها در

حال حرکت، طبیعتاً آهسته‌تر و با قابلیت اعتماد کمتر نسبت به سایت‌های ثابت می‌باشد.

توسعه شبکه قدرت (پایگاه دریایی، ضربت دریایی، سپر دریایی)

David Ahlgren Strategic Opportunities in FORCENet

سه رکن اصلی پایگاه دریایی، ضربت دریایی و سپر دریایی به نوبه خود، توسط سه مفهوم دیگر پشتیبانی می‌شوند، که عبارتند از: آزمایش دریایی، گروه رزمی دریایی و تشکیلات دریایی.

این سه به ترتیب، فراهم آورنده توسعه و پیشرفت مفهوم شبکه قدرت، پرسنل تعلیم‌دیده برای این مفهوم و تجهیزات لازم برای پشتیبانی از راهبرد قدرت دریایی قرن ۲۱ می‌باشند.

• پایگاه دریایی:

پایگاه دریایی توان دریافت افزوده‌ای را برای حمایت، اجرا و پشتیبانی از نیروهای رزمی فراهم نموده و آن نه یک محل مشخص و نه یک واحد مشخص است، بلکه مجموعه‌ای از توانمندی‌هایی است که کلیه نیازهای فرمانده نیروهای مشترک را تأمین می‌نماید.

نیروهای رزمی که در مکان‌های متفاوت در حال انجام عملیات می‌باشند، با استفاده از ساختارهای فرماندهی و کنترل در شبکه ارتباطی و با تسهیلات و تأسیسات ساحلی نیروی رزمی در ارتباط بوده و با تغییر شرایط، پایگاه دریایی توان آرایش مجدد نیروها را در دریا و اعزام مجدد آنها را برای انجام وظیفه در موقعیت‌های دیگر برای فرمانده مشترک فراهم می‌آورد.

• ضربت دریایی:

ضربت دریایی فرمانده نیروی مشترک را قادر می‌سازد تا از پایگاه دریایی، قدرت دفاعی لازم را اعمال نماید. چنین قدرت دفاعی از طریق آتش مشترک از طرف هواپیماها، شناورها، زیردریایی‌ها، هواپیماهای بدون سرنشین و

نیروهای زمینی عملی خواهد شد، در حالی که با افزایش قدرت برد، قدرت کشتار و دقت نیز همراه گشته است.

عملیات ضربتی پیشرفته توسط شبکه قدرت و از طریق ترکیب اطلاعات دریافتی از نیروی دریایی، نیروی مشترک، نیروهای منطقه‌ای، حسگرهای چندملیتی و سایر منابع اعمال خواهد شد. شبکه قدرت شبکه‌های ارتباطی اطلاعاتی و سطوح جدیدی از ارتباط و هماهنگی ایجاد خواهد نمود، که به طور مستمر، اطلاعات خام مشترکی را در سرتاسر نیرو ارائه داده، تا در زمان و مکان مورد نظر فرمانده نیروی مشترک، مورد استفاده قرار گیرد.

• سپر دریایی:

سپر دریایی یک وضعیت تدافعی همه جانبه، چند لایه و سراسری (جهانی) برای نیروهای مشترکی که در خشکی و هوا و دریا در حال انجام عملیات می‌باشند، ایجاد می‌کند.

نیروهای رزمی به محض رسیدن به منطقه، بر محیط‌های ساحلی، هوایی، سطحی و زیرسطحی و فضای سایبری منطقه مسلط خواهند شد. نیروهای رزمی این حالت حمایت و پشتیبانی را از طریق نیروهای پراکنده شبکه‌های ارتباطی و با بکارگیری توانمندی‌های دفاع موشکی و همچنین تجهیزات زمینی، سطحی، زیرسطحی و ضدمین‌ها انجام می‌دهند.

ساختار عملیاتی شبکه قدرت

ساختار عملیاتی «شبکه قدرت» کاملاً در حوزه عمل کاربران و نیروهای رزمی نیروی دریایی قرار دارد و تلاش اصلی آن متحد نمودن نیروهای رزمی، حسگرها، شبکه‌های ارتباطی، سیستم‌های فرماندهی و کنترل، سکوها و تسلیحات می‌باشد، به نحوی که هر یک در بهترین وضعیت خود قرار گیرند، تا بتوانند تأثیری سراسری ایجاد نمایند، که در جنگ و صلح قابل ملاحظه باشد.

ساختار عملیاتی شبکه قدرت به نحوی تعریف گردیده که نشان دهد چگونه مفاهیم و نیازهای پایگاه دریایی، ضربت دریایی و سپر دریایی به صورت مطلوبی در شبکه قدرت، به صورت یک مجموعه گرد هم می‌آیند.

پایگاه دریایی، ضربت دریایی و سپر دریایی به طور مداوم در جریان نوآوری قرار می‌گیرند، تا از عهده چالش با محیط‌های تازه و تهدیدهای جدید، که گاهی در حد یک هشدار کوتاه می‌باشند، برآیند. به همین جهت، ساختار عملیاتی شبکه قدرت یک وضعیت ثابت و تمام شده نخواهد بود، بلکه به منزله معبد کوچکی خواهد بود که همواره با تغییر ضروریات عملیاتی و ارکان قدرت دریایی در قرن ۲۱ تغییر خواهد نمود.

بر همین منوال، ساختار عملیاتی آغازین آنقدر وسیع است، که امکان انطباق مستمر مفاهیم را برای برآورده کردن نیازهای کاربران و نیروهای رزمی فراهم می‌آورد. همچنین، این فرآیند آنقدر انعطاف‌پذیر است که این امکان را به نوآوری‌ها دهد، که با تکنولوژی‌های جدید ترکیب شده یا بر روی آنها ساخته شوند.

چهارچوب معماری شبکه قدرت U.S. Force Posture Strategy in the Asia - June 27, 2012

معماری شبکه قدرت، چگونگی شبکه ارتباطی، تکنولوژی و سایر موارد مورد نیاز را، که توسط نیروی دریایی و نیروهای مشترک آمریکا در عملیات شبکه محور استفاده می‌شوند، توصیف می‌نماید.

اگرچه تمایل بر این است که این چهارچوب معماری فقط در قالب موارد اطلاعاتی شناخته شود، اما این طرح در حقیقت، دو قسمت مشخص و متمایز را دربرمی‌گیرد: (۱) اطلاعاتی و (۲) تسلیحاتی، حسگرها و معماری‌های فرماندهی.

شبکه قدرت در ساختار عملیاتی بر اکتساب تولیداتی تأکید دارد که برای کنترل و اجرای توأمان مفهوم عملیاتی و حمایت از تصمیم‌گیری دقیق و سریع لازم می‌باشند.

هنگامی که این تجهیزات و تولیدات آنقدر پیشرفته و کامل شوند که بتوانند توانمندی‌های عملیاتی و کاربرپذیری کافی به نیروهای عملیاتی ارائه دهند، آنگاه در بسته‌های مأموریتی گرد هم آمده و ارائه می‌شوند.

مدیریت نبرد مشترک و فرماندهی و کنترل شبکه قدرت

مدیریت نبرد مشترک و فرماندهی و کنترل شبکه قدرت شامل همه فرایندها، طراحی‌ها، سیستم‌ها، استانداردها و مفاهیم عملیاتی فرماندهی و کنترلی است که توسط فرمانده نیروی مشترک به کار برده می‌شود. فرماندهی و کنترل شبکه قدرت اهداف زیر را دنبال می‌کند:

* توسعه یک طرح منسجم و قابل اجرا در جهت ایجاد توانمندی در سیستم فرماندهی و کنترل و سیستم‌های در ارتباط با آن، تا منجر به یک نیروی مشترک شبکه‌محور شود.

* آگاهی از موقعیت مکانی در زمان واقعی در سطح تاکتیکی و آگاهی از موقعیت مکانی به طور عام در سطح عملیاتی.

* هوشیاری و داشتن اطلاعات دقیق و علمی.

* تصمیم‌گیری برتر، به نحوی که منجر به یک عملیات مشترک و سریع شود.

* اطلاعات دقیق و پاسخگو نسبت به هدف برای آتش گروهی دفاعی یا

تهاجمی در زمان واقعی.

* توانایی هدایت عملیات پراکنده به صورت منسجم، از جمله عملیات

تهاجمی به مناطق ضد دسترسی (anti access - anti aerial denial) پیش‌نویس

نقشه راه مدیریت نبرد مشترک و فرماندهی و کنترل طرح‌هایی را تا آغاز ۲۰۱۴

پذیرفت. این طرح‌ها سپس در مأموریت‌های مشترکی، مانند پشتیبانی هوایی

مورد آزمایش قرار گرفت. تصویری که این نقشه راه از شبکه قدرت ارائه می‌داد،

تصویر یک نیروی رزمی متحد با همراهی شبکه‌های ارتباطی مستقر در خشکی و

شبکه‌های ارتباطی مستقر در دریا تا سال ۲۰۲۰ بود (تحت فرماندهی وزیر دفاع و نیروهای مشترک ایالات متحده، نسخه اول، ماه می).

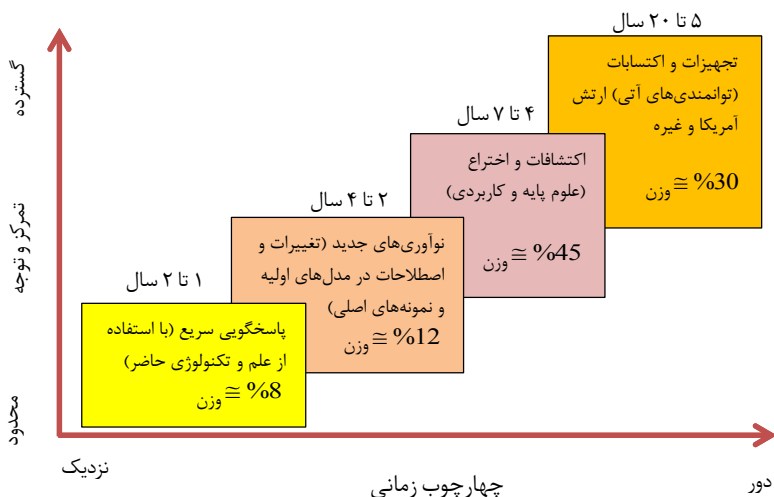
تکامل همزمان ایده‌های عملیاتی و تکنولوژیکی از نظر توانمندی‌های رزمی

Naval Science & Technology -RADM Matthew Klunder Chief of Naval Research

افزایش توانمندی قدرت دریایی قرن ۲۱ مدیون توانمندی‌های تکنیکی، موارد اطلاعاتی و سیستم‌هایی است که با آنها در ارتباط می‌باشند. کارشناسان نظامی معتقدند که:

اگر قرار باشد ارتقائی در توانمندی‌های رزمی نیروهای رزمی در زمینه‌های ضربت دریایی، سپر دریایی و پایگاه دریایی به دست آید، باید فرآیندهای عملیاتی جدیدی توسعه یابند، که از توانمندی جدید موارد اطلاعاتی شبکه قدرت بهره‌مند باشند (فرآیندهای عملیاتی جدید می‌توانند شامل ایده‌های عملیاتی، تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و روندها باشند).

برنامه‌ریزی دفاعی و نظامی مبتنی بر تولید علم قدرت‌ساز و جهش‌ساز طبق جدول زیر به گونه‌ای تدوین گردیده که تا سال ۲۰۲۵ نیازمندی‌های علمی شبکه کاملاً مرتفع شده باشد:



- * سیستم‌های خودکار و دارای کنترل داخلی
 - * قابل دسترسی در فضای نبرد مشترک
 - * تسلط اطلاعاتی
 - * اعزام نیرو و نبرد نامنظم
 - * اعمال قدرت و دفاع جمعی
 - * طراحی و قابلیت دوام سکو
 - * نیرو و انرژی
 - * عملکرد نیروهای رزمی
 - * مجموع هزینه در اختیار داشتن این تجهیزات
 - * مدیریت تشکیلات علم و تکنولوژی
 - * تلاش‌های ارتش آمریکا در زمینه پاسخگویی سریع
- ایجاد مانع در مناطق ممنوعه

تکامل همزمان

تکامل همزمان توسعه توانمندی‌های تکنیکی و توسعه ایده‌های عملیاتی فرآیندی است که تغییر در یکی، همزمان باعث تغییر در دیگری خواهد شد. دیدگاه نیروهای رزمی در مورد توسعه ایده‌ها، که توسط بخش توسعه ایده‌ها در مقر فرماندهی توسعه نبرد آمریکا با مشارکت نیروها اعمال گردید، در شکل زیر نشان داده شده است:



وظیفه آنها ارائه ایده‌ای برجسته برای چگونگی ارتباط نیروهای مشترک و ترکیبی با کمک شبکه ارتباطی با همدیگر و ارتقاء توانمندی‌شان از این طریق و نیز روشن ساختن اینکه چگونه این نیروی مشترک در تسهیل و تکامل عملیات نیروی دریایی، در چهارچوب زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، به کار خواهد رفت، می‌باشد. مفهوم یا ایده کاربردی شبکه قدرت از معماری عملیاتی شبکه قدرت و توسعه و آزمایش ایده‌ها و مفاهیم آن حمایت می‌کند. ایده شبکه قدرت به عنوان یک مفهوم منسجم واحد به عملی شدن ارکان ضربت دریایی، سپر دریایی و پایگاه دریایی خدمت می‌نماید.

ارکان چهارگانه قدرت دریایی قرن ۲۱، که با ایده شبکه قدرت به عنوان یک مفهوم عمل خواهد نمود، به شرح جدول زیر است:

ارکان چهارگانه قدرت دریایی قرن ۲۱ و قابلیت‌های آنها			
شبکه قدرت	پایگاه دریایی	ضربت دریایی	سپر دریایی
سرویس اطلاعاتی مراقبت و شناسایی	استخدام و اعزام نیروهای دریایی	ضربت	حفاظت از نیروها
تصاویر تاکتیکی و عملیاتی نبرد مشترک	تدارک نیروهای لجستیکی مشترک	پشتیبانی آتش	نبرد سطحی
ارتباطات و شبکه‌های ارتباطی اطلاعات	تأمین تجهیزات شناور مشترک	مانور	نبرد زیر دریا
		بازدارندگی استراتژیکی	صحنه دفاع هوایی و موشکی

قابلیت‌های شبکه قدرت و اجزاء آن

این قابلیت‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

آگاهی از فضای نبرد

- تصویر عملیاتی مشترک با قابلیت درجه‌بندی (دسترسی انتخابی با اطمینان خاطر)

- ترکیب و آمیختن شبکه اطلاعات مشترک با شبکه طراحی‌های مشترک

- مدیریت ابزار دیجیتال و تاکتیکی انتقال اطلاعات

سرویس اطلاعاتی / جاسوسی، مراقبت و شناسایی

- انتقال حاصل کار سرویس اطلاعاتی به کاربر تاکتیکی

- ارتباط بین سرویس‌های اطلاعاتی (نیروهای دریایی و نیروهای زمینی و

نیروهای تفنگدار)

- کار گروهی، طی مراحل، بهره‌برداری و استخراج و توزیع (عملکرد تحلیلی

چند سرویس اطلاعاتی با کاربری آسان)

فرماندهی و کنترل

- توانمندی فرماندهی و کنترل نیروها
- توانمندی فرماندهی قشون / قابلیت آرایش یگان مستقل به صورت یگان مشترک و ترکیبی

ارتباطات

- پهنای باند مناسب (۲۵/۵۰ مگابایت)
- اختصاص پهنه باند پویا و ابزارهای مدیریت
- برقراری ارتباط از طریق ماهواره چند بانده ۳۶۰ درجه (به حداقل رساندن موانع)

لجستیک متمرکز

- حمایت لجستیکی در دریا و ساحل
- دسترسی به شبکه ارتباطی در دریا و ساحل
- افزودن مراقبت‌های پزشکی و خدمات مربوط به تعمیرات تجهیزات، به ملزومات پشتیبانی لجستیکی

قابلیت‌های سپر دریایی

کنترل ساحل از دریا

۱- نبرد مین

الف- عملیات ضدمین

- ردیابی، طبقه بندی، تعیین محل و شناسایی
- خنثی سازی
- تحویل حسگرها و تعقیب کننده‌ها
- تصویر عملیات مشترک به وسیله شبکه ارتباطی
- ابزار کمک به تصمیم‌گیری در زمینه‌های عملیاتی و تاکتیکی
- پالایش و اصلاح ایده‌های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی و فرآیندهای مربوط به عملیات ضدمین و جنگ مین

ب- مین گذاری

- تحویل به مناطق انتخاب شده
- فرماندهی و کنترل از طریق شبکه ارتباطی و تصویر عملیاتی مشترک، از جمله ارزیابی خسارات جنگ
- ابزار کمک به تصمیم گیری در زمینه های عملیاتی و تاکتیکی
- پالایش و اصلاح ایده های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی و سایر فرآیندها در جنگ مین

۲- نبرد ضد زیردریایی

- ردیابی، طبقه بندی، تعیین محل و شناسایی
- خنثی سازی
- تحویل حسگرها و تعقیب کننده ها
- تصویر عملیات مشترک به وسیله شبکه ارتباطی
- ابزار کمک به تصمیم گیری در زمینه های عملیاتی و تاکتیکی
- پالایش و اصلاح ایده های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی و سایر فرآیندها

برای نبرد ضد زیردریایی

۳- نبرد سطحی

- ردیابی، طبقه بندی، تعیین محل و شناسایی
- خنثی سازی
- تحویل حسگرها و تعقیب کننده ها
- تصویر عملیاتی مشترک به وسیله شبکه ارتباطی
- ابزار کمک به تصمیم گیری
- پالایش و اصلاح ایده ها

دفاع موشکی و هوایی

۱- میدان دفاع هوایی

- ردیابی، طبقه بندی، تعیین محل و شناسایی

- خنثی‌سازی

- فرماندهی، کنترل، برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات از طریق شبکه ارتباطی

- ابزار کمک به تصمیم‌گیری در زمینه‌های عملیاتی و تاکتیکی

- پالایش و اصلاح ایده‌های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی، سایر فرآیندها

برای میدان دفاع هوایی

۲- صحنه دفاع موشکی (موشک بالستیک)

- ردیابی، طبقه‌بندی، تعیین محل و شناسایی

- خنثی‌سازی

- فرماندهی، کنترل، برقراری ارتباط، و انتقال اطلاعات از طریق شبکه

ارتباطی

- ابزار کمک به تصمیم‌گیری در زمینه‌های عملیاتی و تاکتیکی

- پالایش و اصلاح ایده‌های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی و سایر فرآیندها

برای میدان دفاع موشکی

دفاع از سرزمین

- جنگ با تروریسم / حفاظت از نیروها

- آگاهی از حوزه دریایی

- تحلیل پیشاپیش

- پیشگیری و خنثی‌سازی نبرد دریایی

- پالایش و اصلاح ایده‌های عملیاتی، تاکتیکی، تکنیکی و سایر فرآیندها

قابلیت‌های ضربت دریایی

ضربت

۱- هدایت عملیات ضربتی

- درگیری با اهداف زمینی ثابت

- درگیری با اهداف متحرک

۲- هدایت عملیات ویژه

- ارائه هدف گیری دقیق

- هدایت مسیر عمل

۳- هدایت عملیات اطلاعاتی تهاجمی

- تهدیدات بالقوه

- هدایت حمله شبکه محور

۴- تأمین ایمنی هواپیماها

آتش پشتیبانی

- ارائه آتش دقیق

- ارائه آتش با حجم بالا

- ارائه آتش گسترده

مانور

- نیروهای آماده باش، نیروهای ذخیره

- حمله به مراکز دشوار، بحرانی و آسیب پذیر

- هدایت مأموریت های متعاقب هم و همزمان

بازدارندگی استراتژیکی

- هدایت ضربت هسته ای

- تأمین و تضمین بقا

قابلیت های پایگاه دریایی

استخدام و اعزام نیروهای دریایی

- نزدیک کردن نیروها و حفظ تحرک و پویایی در آنها

- رسیدن به هم در دریا و سوار کردن (نیروها)
- امکان تخلیه انتخابی تجهیزات
- ترکیب و تشکیل مجدد نیرو در دریا

تدارک لجستیک مشترک ائتلافی

- تقویت و حمایت از شرایط برای عملیات در دریا
- تقویت و حمایت از شرایط برای عملیات در ساحل
- ارائه لجستیک متمرکز
- ارائه خدمات و تعمیرات در عرشه شناور در حال حرکت
- ارائه خدمات پزشکی به نیروها
- ارائه پشتیبانی پیشرفته از پایگاه

استقرار تجهیزات مشترک شناور / متحرک

- متحد نمودن و حمایت نمودن از پرسنل مشترک و تجهیزات
- ارائه فرابنیان فیزیکی فرماندهی و کنترل از دریا
- ارائه توانمندی‌های مستقر در پایگاه دریایی برای عملیات مشترک

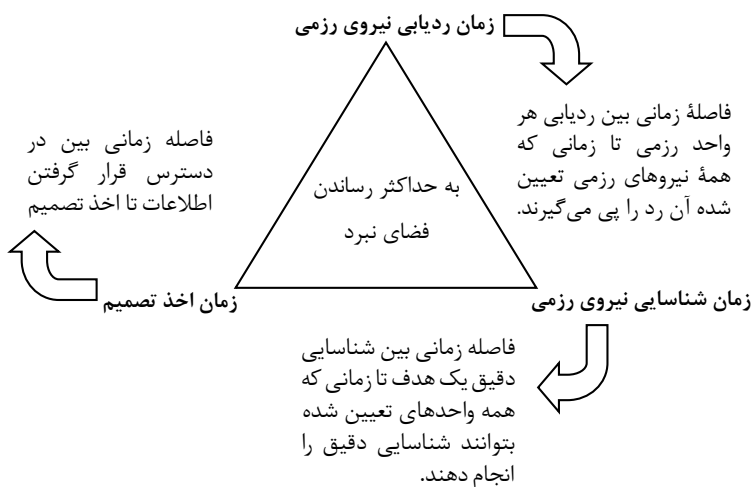
کارایی شبکه قدرت

سه مقیاس ذکرشده در زیر در مورد عملیات متقابل در نبرد ضدهوایی، مثالی برای سنجش کارایی رزمی شبکه قدرت می‌باشد. مجموع این سه مقیاس نمایانگر زمان عکس‌العمل نیروی رزمی است.

✓ **زمان ردیابی نیروی رزمی:** فاصله زمانی از اولین ردیابی یک هدف ناشناس به وسیله هر واحد نیروی رزمی تا زمانی که همه نیروهای ویژه رزمی مشغول ردیابی آن شوند (اگر قابلیت ارتباط وجود داشته و کارایی الگوریتم‌های ارتباط سنجیده شده باشد).

✓ **زمان شناسایی نیروی رزمی:** فاصله شناسایی دقیق بین نخستین شناسایی دقیق یک هدف توسط یک واحد نیروی رزمی تا زمانی که همه واحدها موفق به شناسایی دقیق گردند (عملیات الگوریتم‌های شناسایی و زمان گردش پیام اندازه‌گیری می‌شوند).

✓ **زمان تصمیم‌گیری:** فاصله زمانی از هنگامی که اطلاعات کافی در دسترس قرار می‌گیرد، تا زمانی که تصمیمی اتخاذ می‌گردد (کیفیت و کامل بودن اطلاعات ارائه شده و آموزش اپراتور سنجیده می‌شود). هنگامی که زمان واکنش نیروی رزمی تنزل می‌یابد، تجهیزات رزمی بیشتری را باید برای دفاع از فضای نبرد اختصاص داد.



به حداکثر رساندن فضای نبرد به وسیله به حداقل رساندن زمان واکنش نیروی رزمی

راهبردهای استقرار نیروهای آمریکایی در خلیج فارس و دریای عمان و شرق آسیا

مؤلفه‌های امنیتی استقرار نیرو

با توجه به اهمیت آسیا در نیمه اول قرن ۲۱، راهبرد بزرگ ایالات متحده ادامه تمرکز بر منطقه آسیا و اقیانوس آرام، خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. با این حال، دولت آمریکا همچنان برای اطمینان بخشیدن به متحدان اروپایی آمریکا و کشورهای منطقه‌ای غرب آسیا اعلام می‌دارد که موازنه دست بالا (برد - باخت به نفع خود) به معنای تثبیت ایالات متحده در این مناطق می‌باشد.

✓ موازنه نشان می‌دهد که دولت اولویت توجه خود را به دنبال خروج ایالات متحده از عراق و افغانستان و توجه بیشتر بر منطقه آسیا و اقیانوس آرام و خلیج فارس و دریای عمان قرار داده است.

✓ آرایش جدید نظامی ایالات متحده نشان می‌دهد که با توجه به هزینه‌های دفاعی آن کشور، دولت برای حفظ سطح نیرو و قابلیت‌های نظامی در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، خلیج فارس و دریای عمان عزم جدی دارد.

✓ اقدامات نظامی دولت بر پراکندگی گسترده نیروهای ایالات متحده و ترتیبات پایگاهی و استقرار آنها در منطقه تأکید دارد. این موضوع منعکس‌کننده اهمیت رو به افزایش جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا و اقیانوس هند، همراه با تأکید طولانی مدت ایالات متحده بر شمال شرقی آسیا است.

✓ پراکندگی و گسترش نیروهای ایالات متحده و توسعه مفهوم جدید نبرد هوایی - دریایی برای مقابله با رشد تلاش‌های کشورهای متخاصم در "منطقه ممانعت" (Anti - Access/Area Denial) در منطقه آسیا و اقیانوس آرام و به طور عمده، در محدوده تایوان و در امتداد مرز دریایی چین (و همچنین، ایران در محدوده داخل و اطراف خلیج فارس و دریای عمان) طراحی شده است.

رئیس‌جمهوری آمریکا و رهبران نظامی آمریکا زمانی که "راهنمای راهبردی" ژانویه ۲۰۱۴ وزارت دفاع را منتشر کردند، متعهد شدند کمترین میزان کاهش در اندازه نیروی دریایی را در نظر گرفته و در مقابل، بر کاهش نیروی زمینی تمرکز کنند.

منطقه آسیا و اقیانوس آرام و خلیج فارس و دریای عمان به استثنای شبه جزیره کره، عمدتاً به عنوان یک صحنه عملیات نیروی دریایی و هوایی در قالب شبکه قدرت (FORCENET) دیده می‌شود.

وزارت دفاع آمریکا در برنامه آینده ۲۰۲۵ بر بکارگیری مداوم ۱۱ فروند ناو هواپیمابر صحنه گذاشته و بر بهبود قابلیت‌های راهبرد غلبه در "منطقه ممانعت"، (Access/Area Denial - Anti) که تمرکز نظامی آن بر چین و ایران می‌باشد، تأکید مجدد نموده است.

مراحل خاص اعلام‌شده توسط رهبران ایالات متحده عبارتند از:

✓ تغییر ظرفیت‌های نظامی، بویژه توانایی‌های نیروی دریایی و هوایی، شامل شناورهای سطحی، از جمله ناوهای هواپیمابر، تغییر قابلیت‌های اطلاعاتی و شناسایی، انتقال هواپیماهای بدون سرنشین از افغانستان و دیگر صحنه‌های عملیاتی به آسیا و اقیانوس آرام و خلیج فارس و دریای عمان.

✓ ایالات متحده قصد استقرار ۷۰ درصد از توانایی‌های نیروی دریایی ایالات متحده در منطقه گسترده آسیا - اقیانوسیه / اقیانوس هند - اقیانوس آرام، خلیج فارس و دریای عمان را دارد. در حالیکه این میزان در گذشته ۵۰ درصد بوده است. این اقدام شامل افزایش خالص یک فروند ناو هواپیمابر، هفت فروند ناوشکن، ده فروند کشتی جنگی ساحلی و دو فروند زیردریایی خواهد شد.

✓ نیروی هوایی ایالات متحده در حال حاضر ۶۰ درصد از نیروهای مستقر در خارج از آمریکا را به منطقه آسیا - اقیانوسیه اختصاص داده است. در آینده، نیروهای بکار گرفته شده آمریکا کوچک‌تر، چالاک‌تر، خودکف‌تر و

مستقل تر خواهند بود. به عبارت دیگر، رویکرد جدید به دنبال اجتناب از هزینه‌های بزرگ در پایگاه‌های جدید، دائمی است. نتایج حاصل از موازنه عبارت است از تقویت ظرفیت‌های امنیتی مستقل "کشورهای دوست" از طریق مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر کمک امنیتی و عملیات‌های مشترک به اصطلاح ضدتروریستی، مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با شورشیان.

از جمله طرح‌های راهبردی، که وزارت دفاع ایالات متحده در فکر توسعه آنها با آسیا - اقیانوسیه، خلیج فارس و دریای عمان است، مفهوم جدیدی از یک نبرد هوایی - دریایی است، که برای افزایش اثربخشی عملیات مشترک واحدهای نیروی دریایی و نیروی هوایی ایالات متحده است. این طرح جدید بخصوص برای عملیات مقابله با شرایط ضددسترسی در منطقه ممانعت است.

مقامات نظامی آمریکا گفته‌اند که جنگ هوایی - دریایی "زنجیره انهدام" (متشکل از شناسایی هدف، اعزام نیرو به سوی هدف، تصمیم‌گیری و دستور حمله به هدف و در نهایت، نابودی هدف) با ایجاد اختلال در سامانه‌های فرماندهی و کنترل، ارتباطات، رایانه، اطلاعات، نظارت و شناسایی دشمن، انهدام سکوی پرتاب سلاح (از جمله هواپیما، کشتی‌ها و سایت‌های موشکی) و انهدام هرگونه سلاح دشمن خواهد بود.

بسیاری از ناظران بر این باورند که راهبرد جنگ هوایی - دریایی اگر نه اساساً، ولی تا حد زیادی بر مقابله با تلاش‌های چین و ایران در منطقه ممانعت متمرکز شده است.

راهبرد جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (متفکر، ۱۳۹۲)

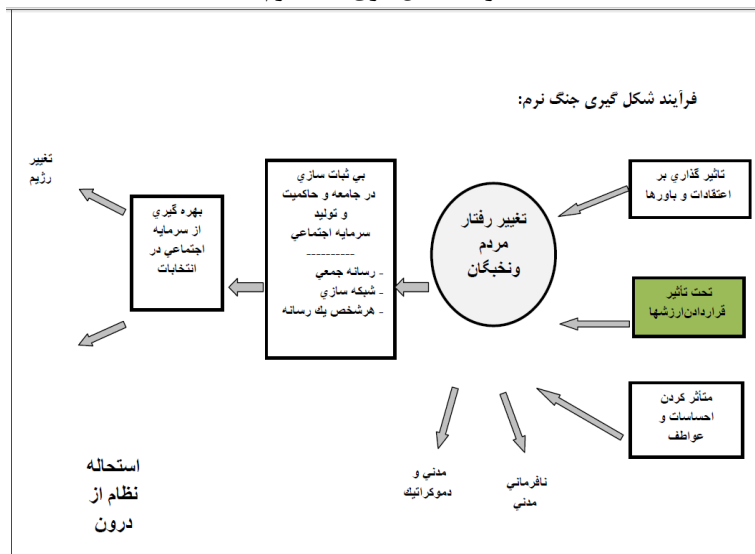
دولتمردان آمریکایی در شرایط فعلی تهدید سخت را در اولویت دوم خود قرار داده و با رویکرد جنگ نرم به عنوان بهترین مدل و شیوه مؤثر در رسیدن به اهداف خود، با ایجاد عملیات روانی، جنگ رسانه‌ای، ناتوی فرهنگی، انقلاب مخملی و

پروژه ایران هراسی به دنبال تکمیل پازل ایران‌ستیزانه خود می‌باشند. در واقع، جنگ نرم آمریکا علیه ایران یک اقدام پدافندی در مقابل انقلاب اسلامی است. سیاست‌گزاران پنتاگون و سیا با سه راهبرد دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی، اتحاد شوروی را به فروپاشی و شکست واداشتند. ناظرین نظامی آمریکا معتقدند بهترین راه سرنگون‌سازی نظام جمهوری اسلامی پیگیری مکانیسم‌های جنگ نرم و استفاده از تکنیک‌های عملیات روانی تبلیغاتی با استفاده از دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی و پشتیبانی از نافرمانی مدنی است.

در برآیند جنگ نرم، عوامل براندازی یا از زمینه‌های موجود در جامعه برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند یا به طور مجازی سعی در ایجاد نارضایتی در نزد افکار عمومی و سپس بهره‌برداری از آن دارند.

استفاده از مشکلات اقتصادی، تنوع کثرت قومی ایران، ایجاد و دامن زدن به نافرمانی مدنی در تشکل‌های دانشجویی و نهادهای غیردولتی و صنفی، تلاش در نزدیکی به مردم تحت پوشش حمایت از حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ایجاد شبکه‌های متعدد رادیو تلویزیونی فارسی زبان، حمایت از اپوزیسیون (سفر فعالان جوان خارجی از کشورهای متحد با آمریکا به ایران تحت عناوین جهانگرد که در صورت نیاز، به جنبش‌های مدنی و نافرمانی‌ها بپیوندند)، تسهیل فعالیت ان.جی.اُ (فعالان غیردولتی) آمریکایی در ایران، دعوت فعالان جوان ایرانی به خارج برای شرکت در سمینارهای کوچک (این افراد باید از سوی مقامات آمریکایی انتخاب شوند نه نهادهای ایرانی)، استفاده از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر و به طور کلی، تضعیف ستون‌های حمایتی حکومت ایران از جمله راهکارهای اجرای این استراتژی به شمار می‌آیند.

فرآیند شکل‌گیری جنگ نرم



اهداف راهبردی جنگ نرم

هدف اصلی تحمیل خواست و اراده بر طرف مقابل با هزینه کمتر و با روش متفاوت‌تر بوده و اهداف میانی آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱) استحاله فرهنگی
- ۲) استحاله سیاسی و تخریب چهره‌های ارزشی و نهادهای انقلابی
- ۳) ایجاد ناامنی و رعب و ترس و شایعه
- ۴) تفرقه و اختلاف درونی
- ۵) ترویج روحیه ناامیدی و کسالت به جای شادابی و نشاط
- ۶) ترویج بی‌تفاوتی در برابر مسائل مهم کشور
- ۷) تقویت ناراضیتی و دامن زدن به آن و اختلافات قومی و سیاسی و...
- ۸) تلاش برای بحرانی جلوه دادن اوضاع کشور
- ۹) تضعیف ساختار سیاسی و براندازی

تهدیدهای نرم خارجی

۱) تهدیدهای فرهنگی

فرهنگ به مرور زمان می‌تواند بسیاری از جنبه‌های دیگر را که نشأت گرفته از خرده فرهنگ‌های اجتماعی است، تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، یکی از مهم‌ترین تهدیدات نرم خارجی تهاجم فرهنگی است. یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش تهاجم فرهنگی نیز تبلیغات خارجی است. کشوری که می‌خواهد رفتار مردم کشور دیگر را به وسیله تبلیغات در جهت منافع خود و علیه نگرش‌ها و سیاست‌های دولت خودی هدایت کند، به وسایل مختلفی همچون رادیو، تلویزیون و... و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف روانشناختی متوسل می‌شود. با پیشرفت ارتباطات و نیز با ورود توده‌های متوسط شهروندان به دنیای سیاست، بعد روانی سیاست خارجی و نفوذ در افکار عمومی و امکان تحریک گروه‌هایی از مردم یک کشور اهمیت زیادی یافته است. (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۴۸).

۲) اقدام پنهان

اقدام پنهان به فعالیت‌های کشورها جهت نفوذ در امور سیاسی، اقتصادی یا نظامی سایر کشورها اطلاق می‌شود.

اقدام پنهان به دولت محدود نمی‌شود، بنابراین، می‌تواند به عنوان تلاشی از یک دولت یا گروهی برای نفوذ در امور دولت یا سرزمین دیگری توصیف شود، بدون اینکه به طور رسمی حضور خود را آشکار نماید.

اقدام پنهان، همان طور که از نام آن پیداست، ساز و کاری غیر محسوس و پنهان برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های طرف مقابل است. در واقع، این نوع از اقدامات در کنار دیپلماسی (به عنوان اقدامی آشکار در راهبرد سیاست خارجی)، به عنوان مؤلفه یاری رساننده به اعمال سیاست‌ها در قبال سایر کشورها همواره مطرح بوده است. جاسوسی (جمع‌آوری اطلاعات به صورت

پنهانی)، همواره به عنوان یکی از منابع اصلی جهت دستیابی به اطلاعات مورد نیاز در راستای انجام اقدام پنهان محسوب می‌شود.

نفوذ در سیاست‌های کشورها (مخصوصاً در ابعاد خارجی که بیشتر مد نظر اقدام پنهان است) از طرف بیگانگان باعث سوق پیدا کردن منافع به سمت آنها و کاهش اعتماد در بین مردم نسبت به سیاست‌های حکومت و در نهایت احساس ناامنی در توده افراد جامعه می‌شود.

۳) تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی

سازمان‌های اطلاعاتی با برخورداری از ابزارهای مناسب و نیروی انسانی متخصص، می‌توانند به دستیابی حکومت‌ها به اهداف پنهانشان کمک شایانی نمایند. گاهی اوقات منافع یک کشور اقتضاء می‌کند که حکومت کشور دیگر تضعیف شده و یا گاهی اوقات از بین برود. مبارزه‌های آشکار و پنهان آمریکا با ایران در منطقه، نمونه بارزی از این گونه رفتارها است. با نگاهی اجمالی به حوادث پنهانی، که تاکنون از سوی کشورهای غربی و کشورهای منطقه برای ایران به وجود آمده، همواره رد پای سازمان‌های اطلاعاتی به نوعی در آنها مشهود بوده است. در این قسمت، به چند مورد از تهدیدات سازمان‌های اطلاعاتی بیگانه در قبال امنیت نرم در ج.ا.ا. به صورت مختصر اشاره می‌کنیم.

جاسوسی:

جاسوسی به خودی خود تهدید محسوب نمی‌شود، ولی از آنجایی که اطلاعات مورد نیاز برای سایر اقدامات منافی امنیت را تأمین می‌کند، به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی است. جاسوسی دارای اهداف مختلفی است. این اهداف ممکن است در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نظامی، فناوری و زیست محیطی باشد. فعالیت‌های جاسوسی در نهایت، می‌تواند به ایجاد ناامنی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و فناوری اثرگذار باشد، که این امر باعث از بین رفتن امنیت نرم در سطح جامعه و حکومت خواهد شد.

براندازی:

براندازی عبارت است از تغییر نظام سیاسی حاکم بر یک کشور، ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی یک نظام، که گاهی از طریق اعمال رفتار خشونت‌آمیز از قبیل کودتا و ترور، تحمیل جنگ و نظایر آن با حذف حاکمان از صحنه سیاسی یک کشور صورت می‌گیرد و گاه از طریق مسالمت‌آمیز و با اجرای برنامه‌ای حساب‌شده و درازمدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام قابل اجرا است. نتیجه هر دو اقدام به تغییر نظام سیاسی و در نهایت، براندازی منجر می‌شود (اداره سیاسی سپاه، ۱۳۸۱: ۴۵). براندازی شیوه‌های متنوعی دارد. همان‌گونه که گفته شد تعدادی از آنها به تغییر نظام سیاسی یک کشور از طریق مسالمت‌آمیز و اجرای برنامه‌های مدون بر پایه اقدامات نرم دلالت دارد. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به کودتاهای سفید و خزنده، براندازی نرم، انقلاب‌های مخملی، براندازی پارلمانتاریست و... اشاره کرد. یکی از بارزترین روش‌های براندازی که مستقیماً با امنیت نرم در تقابل است، براندازی نرم است.

براندازی نرم عبارت است از: «اغواء، غافلگیری، کنترل اراده، تحریف و سازماندهی عمومی مردم در راستای تغییر ساختار و رفتار حاکمیت مبتنی بر قدرت نرم (ارتباطات و تبلیغات) در فرآیند تدریجی نمادین و غیر خشونت‌آمیز». این نوع از براندازی چندی است توسط کشورهای استعمارگر، بخصوص آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. براندازی نرم با استفاده از الگوهایی چون وقوع انقلاب‌های مخملین (بر اساس تفکر جهش به سوی دموکراسی و با تکیه بر نخبه‌گرایی)، ایجاد تغییرات سیاسی، فعال‌سازی جنبش‌های اجتماعی و... صورت می‌پذیرد. در براندازی نرم، افراد و گروه‌ها با استفاده از روش‌های مختلف اعتراضی، مانند بیانیه‌های رسمی، اقدامات دسته‌جمعی نمادین، ایجاد فشار بر دولت، راهپیمایی مردمی و... حکومت را تحت فشار گذاشته و درصد سرنگونی آن برمی‌آیند (حمزه‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰-۵).

۴) نبرد محاسباتی؛ سناریوی راهبردی نظام سلطه
 تحمیل «تصویر کاذب و ساختگی» دشمن از شرایط موجود بر «ذهنیت و ادراک» مسئولین، نخبگان و مردم کشور هدف، موجب ایجاد اشتباه محاسباتی و تجدید نظر در محاسبات می‌گردد. فرآیند اختلال و اشتباه محاسباتی با بکارگیری بسته‌ای از ابزارهای اقتصادی و نظامی، مبتنی بر «عملیات ادراکی»، به دنبال ایجاد اشتباه محاسباتی در هدف است. نتیجه چنین فرآیندی تغییر رفتار هدف خواهد بود. با این تفاسیر، فرآیند ایجاد اختلال و اشتباه محاسباتی چنین خواهد بود:

- ایجاد ادراک اشتباه
- محاسبه مجدد
- اشتباه محاسباتی

بُعد دیگر نبرد تحمیل محاسباتی، بهره‌گیری از تهدید نظامی است. در همین راستا، رئیس کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا ادعا می‌کند: «متأسفانه به نظر نمی‌رسد فشارهای سیاسی و اقتصادی ایران را قانع کرده باشد که جاه‌طلبی‌های نظامی هسته‌ای خود را کنار بگذارد.» همچنین، یکی دیگر از اعضای مؤثر کمیته مذکور مدعی می‌گردد:

«تنها با تهدید معتبر زور با ترکیب تحریم‌ها، می‌توان برای یک راه‌حل دیپلماتیک قابل قبول امید واقعی داشت. سه جزء تهدید نظامی معتبر عبارتند از: استراتژی ارسال پیام و اطلاعات مؤثر، آمادگی‌های اقتصادی و فعالیت‌های آماده‌سازی نظامی معتبر.»

روشن است که انتشار این ادعاها در درجه نخست، القای احتمال تهاجم نظامی را به منظور ایجاد لبه‌پرتگاه جنگ و در جهت تغییر رفتار جمهوری اسلامی مد نظر داشته است.

در تداوم همین سناریو، می‌توان گفت تلاش غرب و دشمنان انقلاب اسلامی، برای بی‌ثبات‌سازی محور مقاومت در سوریه و عراق نیز در همین راستا و برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر محاسبات طرف ایرانی قابل ارزیابی

است. در این چهارچوب، می‌توان گفت سرنوشت نبرد میان جبهه حق و باطل را منازعه میان دو مبنای محاسباتی در درون جبهه حق تعیین می‌کند. در یک سو، مبنایی متکی به ایمان الهی و با بهره‌گیری از تدبیر عقلی و در سوی دیگر مبنایی کاملاً مادی و به شدت متأثر از القائنات جبهه باطل قرار گرفته است. آنان که اعتماد به پروردگار و سنن آفرینش را برگزینند، دشمن خود را حقیقتاً بشناسند و به آن اعتماد نکنند، با تکیه به نیروی مردم و عقلانیت صحیح می‌توانند دشمن را به زانو درآورده و محاسبات خود را بر آن تحمیل کنند. در مقابل، دشمن نیز با ابزارهای ادراکی، همچون تهدید و تطمیع تلاش می‌کند قوای ادراکی نیروهای جبهه حق را دچار اختلال ساخته و آنان را دچار اشتباه محاسباتی کند. در چنین شرایطی، آنان که در مبنای محاسباتی، کمتر به عناصر اتکال الهی توجه داشته‌اند، دچار ضعف و خودباختگی می‌گردند. این رویکرد ناشی از نادیده انگاشتن عوامل معنوی و سنت‌های الهی و تکیه صرف بر عوامل محسوس و مادی است.

در این چهارچوب، سناریوی اختلال در نظام محاسباتی نخبگان جمهوری اسلامی ایران بر پایه بهره‌گیری از دو ابزار راهبردی شکل گرفته است که عبارتند از: «تهدید نظامی» و «تحریم».

سناریوها و راهبردهای تهدیدات سخت و نرم

بر اساس مفاد فوق و برگرفته از شرایط سیاسی و نظامی ملی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، چگونگی سناریوها و راهبردهای ارتش آمریکا را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

راهبردهای تهدیدات نرم

(۱) نفوذ و تسلط بر حکومت با جذب نخبگان جوان برای تحصیل در آمریکا. در استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۵ آمده است: «ما در حال به دست گرفتن ابتکار عمل برای ایجاد روابط جوانان جهان، شناسایی رهبران آینده در دولت، کسب و کار و... هستیم.»

- ۲) ترویج فرهنگ سطحی‌نگری و خرافه‌پردازی با تبلیغات معکوس بالأخص در رابطه با جوانان (با توجه به اینکه جوانان اساسی‌ترین راهبرد برون رفت ج.ا.ا از چالش‌های متعدد، از جمله جنگ می‌باشند).
- ۳) تضعیف و ناکارآمدسازی رهبری و مدیران و نظام مدیریت کشور.
- ۴) مشروعیت زدائی، ایجاد بی‌ثباتی و ناپایداری‌های سیاسی.
- ۵) جنگ روانی و رسانه‌ای برای مسئله‌سازی و تسخیر اذهان جامعه.
- ۶) هویت زدائی ایران از فرهنگ و باورهای اسلامی و ایجاد خوش‌بینی نسبت به غرب و ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی.
- ۷) گسست و تضعیف سرمایه‌های اجتماعی، وحدت ملی، قدرت مرکزی و هویت بخشی به گروه‌های معارض.
- ۸) تضعیف فرهنگ ایثار و مقاومت، تخریب منابع قدرت دفاعی، امنیتی و نظامی و حوزه اثر بازدارندگی آنها.
- ۹) القای ناامیدی، جداسازی نخبگان و علما از همدیگر و از نظام و محدودسازی فعالیت‌های علمی و فناوری.
- ۱۰) تضعیف زیرساخت‌های فرهنگی و روانی تولید، شکستن مقاومت اقتصادی و ایجاد بی‌ثباتی در اقتصاد ملی.
- ۱۱) تهدید نمائی ایران برای صلح و امنیت جهانی و ایجاد انزوای بین‌المللی و اجماع جهانی علیه ایران.
- ۱۲) ایران ستیزی، شیعه ستیزی و جداسازی ایران از کشورهای اسلامی و تأثیرگذار.
- ۱۳) تغییر ادراک‌ها و ذهن ملت ایران.
- ۱۴) راهبرد تحریم‌های اقتصادی، علمی و فناوری و سپس حمله به منظور توقف غنی‌سازی.
- ۱۵) راهبرد دامن زدن به جنگ ایدئولوژیک (شیعه - سنی)، جنگ روانی و شورش داخلی.

۱۶) سناریوی مهار، تعادل قدرت و تقابل (مهار = اقدامات نرم، تعادل قدرت + بازدارندگی و تقابل به حملات کوتاه و میان مدت با همکاری دیگر کشورها).

۱۷) سناریوی کیش و مات حملات سایبری و اطلاعاتی و سپس نظامی به ایران و متحدین مربوطه.

راهبردهای تهدیدات سخت

۱) جنگ نیابتی (دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و مسلح نمودن عشایر سنی).

۲) قدرت هوشمند (ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم) علیه ایران (یعنی بکارگیری توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک آمریکا در یک جهت هماهنگ علیه ایران)، زیرا ایران برای آمریکا متناقض نما و پارادوکسیکال است.

۳) راهبرد فضای تهدید و فرصت با رویکرد قدرت هوشمندانه که بر پنج پایه استوار است:

الف: راهبرد "با مردم - بر مردم"

رئیس‌جمهوری آمریکا با فاصله گرفتن از مشی شکست‌خورده لشکرکشی بوش، با هدفی مشابه، این بار عناصر داخلی را تقویت کرده، تا با نمائی شبه نظامی بتواند جای خالی نظامیان آمریکائی را پر کرده و کمابیش همان نقش را در قبال دولت‌های هدف به کار بندد.

ب: دیپلماسی

استفاده از روش دیپلماسی سیاه، به این معنا که مذاکره را نه برای برقراری رابطه، بلکه فقط برای مذاکره مطرح می‌کند، تا ایران را مانع مذاکره و حل مسالمت‌آمیز مشکلات معرفی کند.

پ: تحریم

با تحریم هوشمند، مردم را علیه دولت تحریک می‌کند.

ت: برخورد نظامی

ضربه زدن به نقاط حساس و حیاتی و راهبردی ایران.

ث: همکاری دیگر کشورها

استفاده از پتانسیل و همراهی دیگر کشورها علیه ایران.
 حمله پیشگیرانه به تأسیسات هسته‌ای ایران.
 حمله به نقاط حساس و حیاتی کشور (جنگ اقتصادی).
 جنگ نیابتی (با تأکید بر منافقین).
 تسلط بر منابع نفتی ایران توسط آمریکا (نقاط استراتژیک) = حمله به
 نقاط ضد دسترسی.
 راهبرد استقرار در جنوب غرب آسیا و کشورهای خلیج فارس به منظور
 تسلط بر منطقه.
 حملات تمام عیار و همه‌جانبه به منظور تغییر رژیم (جنگ شوک و بهت).
 "جنگ ناهمگون"، جنگ دریایی و محاصره دریایی.

راهبردهای دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران

مقام معظم رهبری در ۸۷/۹/۶ در رابطه با حساسیت و اهمیت دریای عمان چنین فرمود اند:

«این ساحل عظیم و طولانی بسیار حساس، که ما دریای عمان داریم، در واقع یک گنج است و باید این را اعتراف کنیم که این را کشف نکرده بودیم. دریای عمان، ساحل دریای عمان و حضور در دریای عمان یک گنج است، یک ذخیره است. ما همه حواسمان را بردیم متوجه خلیج فارس کردیم، که البته خلیج فارس هم خیلی حساس است، شکی نداریم، اما توجه نکردیم به این ثروت عظیمی که ما در دریای عمان داریم. دریای عمان عقبه اساسی و تعیین کننده سرنوشت خلیج فارس است.» (سیاری. طحانی، ۱۳۹۰: ۵۱).

توجه به جایگاه ویژه ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، برخورداری از مناطق دریایی ویژه، دارا بودن سواحل طولانی در مجاورت خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و دریای خزر، داشتن سابقه طولانی در دریانوردی و نیروی انسانی مستعد و پویا، لزوم اتخاذ راهبرد دفاع دریایی به عنوان راهبرد غالب در دستیابی به اهداف ملی و صیانت از منافع ملی و ارتقای سطح قدرت ملی در منطقه و جهان کاملاً محسوس می باشد. همچنین، فرماندهی معظم کل قوا در ۸۶/۱۲/۱۹ می فرماید:

«کار در دریای عمان دشوارتر و بسیار مهم است، زیرا امروز دشمن ما فلان کشور همسایه خلیج فارس نیست. دشمنی که ما احتمال حمله و تهدید او را می دهیم، کسی است که در اقیانوس ها گسترش یافته است. بنابراین، کار خیلی مهم است.» (همان: ۵۱)

سرنوشت کشور عزیز ما ایران، چه بخواهیم و چه نخواهیم، با دریا گره خورده. بخش اعظم منافع ملی و منابع ما در دریا قرار دارد و یا از طریق دریا تأمین می‌شود و در عین حال، بزرگ‌ترین تهدیدهای منابع، منافع و امنیت ملی ما، از طریق دریاها اعمال می‌شود. وجود منابع سرشار نفت و گاز و سایر مواد معدنی در آب‌های سرزمینی و فلات قاره ایران، وجود بیش از سه هزار کیلومتر مرز آبی، انجام بیش از ۹۰٪ تجارت جهانی ایران از طریق دریا، قرار گرفتن در قسمت شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و مجاورت با دریای خزر بیش از پیش اهمیت داشتن یک قدرت دریایی برتر را در منطقه برای کشور ما ضروری می‌نمایند (همان: ۱۲۸).

اصل حاکم در راهبرد دریایی، نظارت، کنترل و سلطه همه‌جانبه بر دریاها، خطوط حساس مواصلاتی دریایی، گلوگاه‌ها و تنگه‌های دریایی در دو بعد تجاری و نظامی است. تسلط بر دریاها مشتمل بر سطح، اعماق و فضای بالای دریاهاست. هر کشوری که بتواند با بهره‌گیری از فناوری برتر و عناصر دیگری که بر قدرت دریایی می‌افزاید (مانند علاقمند کردن مردم به امور دریایی، موقعیت جغرافیایی مناسب و غیره) به بهره‌برداری یک‌جانبه از دریا مبادرت نماید و سایر کشورها را در استفاده از امکانات دریایی محروم کند، قدرت دریایی برتر محسوب می‌شود (همان: ۹۴).

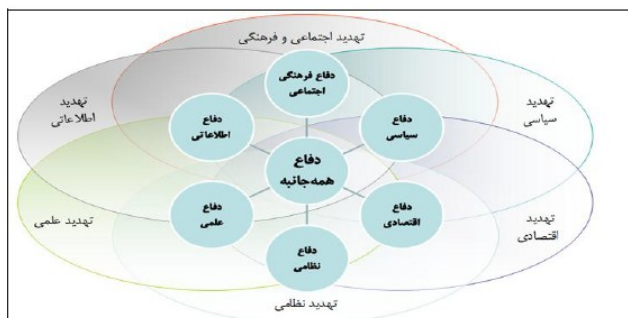
از طرفی، با تجربیات هشت سال دفاع مقدس، جنگ خلیج فارس و قابلیت‌های دشمن در بهره‌گیری از پایگاه‌های برپا نموده در اطراف کشور و نیز از قابلیت‌های ناوگان‌های نظامی دیگر مستقر در مناطق همجوار دریای عمان، می‌توان با قاطعیت اعلام نمود که راهبرد مقابله با دشمن جز با استفاده از رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا، تلاش برای برپایی پایگاه‌های فرماندهی‌ای در جزایر / کشورهای سواحل دریای عمان و اقیانوس هند، همانند آنچه که در فصول قبل از آنها نام برده شد و بهره‌گیری از راهبردهای دفاع همه‌جانبه و راهبردهای محیط شبکه محور در دریا، میسر نخواهد گشت.

راهبرد دفاع همه‌جانبه

دفاع همه‌جانبه مفهومی با ظرفیت معنایی فراوان است. دفاع همه‌جانبه دفاع از ارزش‌ها و موجودیت‌هایی است که مورد تهدید هستند و یا خواهند بود. انقلاب اسلامی در طول حیات خود، با طیف وسیعی از تهدیدها روبه‌رو شده است. درباره دفاع همه‌جانبه تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است، از جمله دفاع همه‌جانبه عبارت است از بکارگیری تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود برای مواجهه با انواع تهدیدها. از سوی دیگر، بنا به تعریفی که دارای جامعیت بیشتر است، "آماده‌سازی و بکارگیری همه سرمایه‌های انسانی، امکانات مادی و معنوی به منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان خارجی و داخلی، دفاع همه‌جانبه می‌باشد." (خانی، ۱۳۷۶: ۱۴۹).

در دفاع همه‌جانبه، باید همواره امکانات معنوی، فیزیکی، اقتصاد و سایر امکانات ساختار دولتی، نیروهای دفاعی و کل کشور در یک وضعیت آمادگی مستمر باشند، تا یک وضعیت بحران را مهار یا مدیریت کنند و به گونه‌ای یکپارچه عمل نمایند که از خطر یا حمله جلوگیری کرده و کشور را حفظ کنند.

رویکرد دفاع همه‌جانبه در حقیقت می‌تواند دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران قلمداد گردد. شکل جدید تهدیدات و ابعاد آن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصاد، فرهنگی، نظامی، و... دفاعی متناسب و درخور خود را می‌طلبد. بنابراین، با رویکرد تناسب و تشابه دفاع و تهدید و بر اساس نظریه تهاجم - دفاع می‌توان به مدلی رسید که در آن ابعاد مختلف دفاع در محل همپوشانی به نام دفاع همه‌جانبه، وجه اشتراک خواهند داشت. مدل مذکور در شکل زیر نشان داده شده است:



مدل راهبرد دفاع همه‌جانبه

البته در این کتاب صرفاً به راهبردهای دفاع همه‌جانبه در بحث دفاع نظامی در دریا پرداخته می‌شود، که می‌توان آن را به دو بخش کلی "دفاع سخت افزارانه" و "دفاع نرم افزارانه" تقسیم نمود:

راهبرد دفاع سخت افزارانه

در رویکردهای سنتی امنیت، بهره‌گیری از ابعاد سخت‌افزاری، شامل توانمندی‌های فیزیکی و مادی، یکی از راه‌های دفاع و کاهش آسیب‌پذیری محسوب می‌شود. در چنین رویکردی، امنیت از طریق دفاع نظامی حاصل می‌شود. تجربیات هشت سال دفاع مقدس و بروز تهدیدهای جدید و توسعه تکنولوژیکی نشان می‌دهد که در دوران جدید، علاوه بر بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های گذشته، می‌بایست از ابزارها و روش‌های جدید زیر نیز بهره‌برداری گردد:

ارتقاء توانمندی موشکی چه در دریا و چه در پشتیبانی از دریا

در کشاکش قدرت‌های بزرگ و رقابت آنها در منطقه و عرصه بین‌الملل و پیامدهای حاصل از آن، مانند جنگ عراق، افغانستان، فلسطین، لبنان، گرجستان و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی مانند القاعده، طالبان و گروه‌هایی در اقصی نقاط جهان، که همگی به رقابت تسلیحاتی منجر شده است،

محدودیت‌های سیاسی دیگر مانعی برای فروش سیستم‌های دفاع ضدهوایی، موشک‌های ضدتانک و تسلیحات نبوده و در این میان، جمهوری اسلامی ایران از این مسأله مستثنی نیست و ایران در کنار خرید تسلیحات، سیستم نظامی و دفاعی با توجه به اعمال تحریم‌ها تلاش کرده است تا خود به توانمندی ویژه بومی در بسیاری از زمینه‌ها دست یابد، که البته این امر می‌بایستی در سطوح شناورهای رزمی و در پشتیبانی از آنها کماکان ادامه یابد.

نمایش قدرت با نیروی دریایی راهبردی

"نمایش قدرت" یکی از عناصر اصلی راهبرد دفاع ملی کشورها بوده و از شاخص‌های مهم تعریف سطح و جایگاه کشورهاست (آقاجانی، عسگری، ۱۳۹۰: ۱۰). بر این اساس، می‌توان "نمایش قدرت را کاربرد محدود قدرت نظامی از سوی دولتمردان برای رسیدن به اهداف سیاسی در خارج از سرزمین‌های اصلی کشور" تعریف کرد (آقاجانی، عسگری، ۱۳۸۹: ۳۴). در چهارچوب چنین رویکردی، کنترل دریاها به عنوان یکی از شاخص‌های نمایش قدرت تعیین می‌شود، چرا که کنترل دریاها می‌تواند سرنوشت تصمیم‌گیری در ساحل را نیز تعیین کند. بنابراین، نیروی دریایی و قدرت دریایی دارای مزیت‌های راهبردی است، که می‌تواند کشورهایی با جغرافیای محدود را در مناطق دیگر تثبیت سازد و از منافع ملی این کشورها در آن مناطق حفاظت کند. امروز جمهوری اسلامی ایران، که در شرایط زمانی و مکانی حساسی قرار دارد، با توجه به شرایط و محیط امنیتی و تهدیدهای منطقه‌ای، چاره‌ای جز تقویت ابزارهای نمایش قدرت خود ندارد. به عبارت دیگر، واقعیت‌های محیط راهبردی، گزینه نمایش قدرت را به مثابه دستوری گریزناپذیر پیش روی دولتمردان کشور قرار داده است؛ چرا که بی‌توجهی به مقوله نمایش قدرت، آسیب‌پذیری کشور را گسترش و تعمیق می‌بخشد و زمینه فعالیت بخشی به تهدیدهای بالقوه را ایجاد می‌کند. در همین راستا، برپایی پایگاه‌هایی در فرامنطقه به منظور پشتیبانی از نیروها در زمان صلح و بحران حائز اهمیت است، همان‌گونه که به گزارش سایت تابناک، ریاست محترم ستاد کل، سردار سرلشکر باقری در آذرماه ۹۵ در دیدار با فرماندهان نیروی

دریایی ارتش با تأکید بر اینکه ما هیچ‌گونه همترازی با دشمن استکباری در حوزه دریایی نداریم، مطالبی به شرح زیر بیان داشت:

روش‌های کلاسیک جوابگو نیست و باید روش‌های دیگری را که حتماً هم پنهان بمانند، تمرین کنیم تا یک فرمانده ناو بهترین عملکرد را در صحنه نبرد داشته باشد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه در مسأله حضور در دریاها دور و مقابله با دزدان دریایی کارهای بزرگی شده است، گفت: باید مانند ناوگان دریای عمان، ناوگانی خاص اقیانوس هند داشته باشیم. نیاز به پایگاه‌هایی در دوردست داریم و شاید در زمانی امکان داشته باشد که در سواحل یمن یا سوریه پایگاه داشته باشیم و یا پایگاه‌هایی در جزایر و یا به صورت شناور باشد. وی با بیان اینکه باید روی این مسأله فکر کرد، اظهار داشت: آیا داشتن پایگاه در دوردست کمتر از فناوری هسته‌ای است؟ من که می‌گویم ده‌ها برابر بیشتر است.

توان‌افزایی در عرصه پهبادها

چه در زمان حاضر و چه در جنگ‌های آینده، هواپیماهای بدون سرنشین از توانایی بالقوه‌ای برای اجرای مأموریت‌های مختلف و فراتر از حیطه عملیات هوایی - جنگی فعلی برخوردار خواهند شد. مأموریت‌های آنها می‌تواند شامل حمل تسلیحات، حمل کالا و فراهم آوردن امکان «ارتباطات متحرک» باشد (جکوبش، ۱۳۸۵: ۶۶). ناوگان رزمی در دریا بایستی بتواند با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، عملیات هوایی طولانی مدت و مداومی را در مناطق نزدیک و دوردست هدایت و کنترل نموده و با در پشتیبانی از خود، از آنها بهره‌گیری نماید.

راهبرد دفاع نرم افزارانه

از سال ۱۹۹۰، تغییرات فراگیری در صحنه بین‌المللی رخ داده است. در خلال این مدت، جهان شاهد پایان جنگ سرد، انحلال حالت دوقطبی، سقوط کمونیسم و تغییر بازیگران اصلی روابط بین‌المللی بوده است. از دیدگاه مفهومی، به نظر می‌رسد که این دگرگونی سه مرحله «کاهش حاکمیت ملی»، «افزایش

وابستگی متقابل جهانی» و بالأخره بالا گرفتن کشمکش‌های هرج و مرج گونه، داشته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۹).

در چنین فضایی، امنیت نه تنها به وضعیتی پیچیده و کاملاً تخصصی تبدیل شده است، بلکه تأمین آن نیز در چهارچوب‌های کاملاً سخت‌افزارانه پیشین غیرممکن است. بنابراین، در تعریف دفاع نرم‌افزارانه بایستی به مؤلفه‌های جدیدی توجه داشته باشیم. در این چهارچوب، برای تأمین امنیت، ابزارها و شیوه‌های مختلفی وجود دارد که متأثر از سه نوع قدرت نظامی، اقتصادی و جذب کنندگی است (انعامی علمداری، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

در این میان، "قدرت نرم" هر کشوری نیز در ایجاد فرآیند دفاع نرم، نقش بسیار مهمی دارد. قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با بکارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. "جنگ نرم" نیز که یکی دیگر از وجوه قدرت نرم است را می‌توان "اعمال قدرت نرم برای شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، هنجارها، افکار، ادراکات، انتظارات، ارجحیت‌ها، انتخاب‌ها و الگوهای رفتاری فردی و جمعی، به منظور همسازی، تنظیم، کنترل و تغییر هویت سوژه انسانی و جهان ذهنی در راستای تأمین اهداف و تحقق نتایج مطلوب" تعریف کرد (نائینی، ۱۳۸۹: ۵).

امروزه در حوزه پدیده‌های نرم‌افزارانه، عصر اطلاعات موجب تغییر در تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها و جنگ‌ها شده و این تغییرات، اقدامات امنیتی و روش‌های دفاعی جدیدی را در بر گرفته است. در چنین قالبی، مفهوم "دفاع سایبری" معنی پیدا می‌کند. بر این اساس، دفاع سایبری "صیانت از زیرساخت‌ها و عرصه‌های مختلف فضای تبادل اطلاعات از حوزه‌های تبادلات ماهواره‌ای تا حوزه‌های شبکه اطلاعات و کاربران فضای مجازی را در بر می‌گیرد." (موحدی‌صفت، ۱۳۸۵: ۴۵).

چون وابستگی نیروهای رزمی به سامانه‌های نرم‌افزاری روز به روز شدیدتر و عمیق‌تر می‌شود، لذا لازم است شدیداً به این امر پرداخته و امنیت بایسته حاصل گردد.

محیط شبکه محور

نیروی مشترک عملیات خود را در محیطی بسیار پیچیده، نامطمئن و پویا انجام خواهد داد. بکارگیری راهبردهای ناهمگون از جانب دشمنان بالقوه، تکثیر سلاح‌های پیشرفته و فناوری‌های اطلاعات فشارهای مضاعفی به کلیه عناصر نیرو وارد خواهند کرد. عملیات آینده نه تنها نیازمند یکپارچگی مشترک بیشتر بوده، بلکه یکپارچگی کلیه عناصر دفاع همه‌جانبه را نیز می‌طلبد. وضعیت کنونی ارتباط انسان و فناوری و قابلیت همکاری نیروی مشترک و توانایی آن در بهره‌برداری از این ارتباط و همکاری، برای کسب سطوح کارایی و اثربخشی عملیاتی لازم، برای موفقیت در محیط عملیاتی نوظهور، کافی نیست. توانمندی‌ها و ویژگی‌های محیط شبکه محور می‌تواند در مدلی مجسم شود که شامل دو حوزه است: حوزه دانش و حوزه فنی.

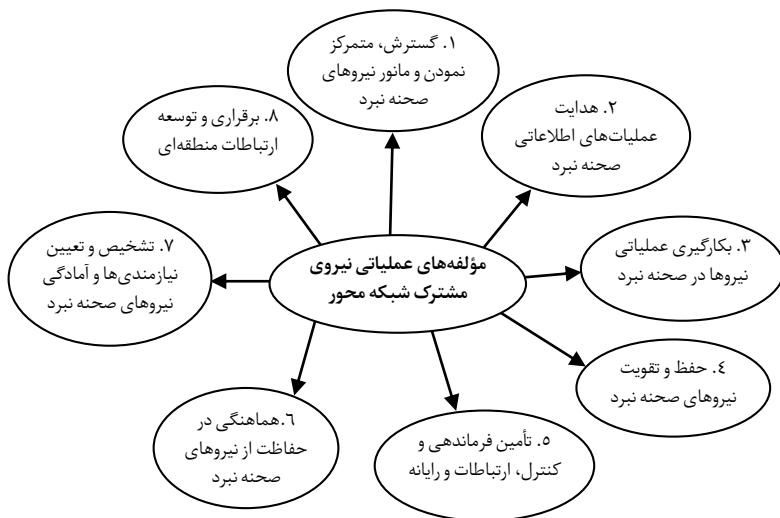
حوزه دانش از تعامل توانمندی‌ها و ویژگی‌های شناختی و اجتماعی مورد نیاز برای عملکرد مؤثر در محیط شبکه محور تشکیل شده است. حوزه فنی با جنبه‌های فیزیکی (زیرساخت‌ها، ارتباطات شبکه و محیط) و محیط اطلاعاتی جایی که اطلاعات ایجاد، پردازش و به اشتراک گذاشته می‌شود، سر و کار دارد. هیچ یک از این حوزه‌ها جدا از هم نبوده و وابستگی‌هایی بین حوزه‌ها، توانمندی‌ها و میان توانمندی‌های بین حوزه‌ها وجود دارد. در تعریف این دو حوزه، ذکر این نکته ضروری است که اطلاعات جزء لاینفک زیرساخت فنی فیزیکی و وابسته به کاربردهای آن نیست (Alberts, 2003).

در یک محیط شبکه‌محور، اطلاعات به یک فضای مشترک ارسال می‌شود و می‌تواند به وسیله کاربران پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده دریافت شود. مفهوم کاربردی مشترک محیط عملیاتی شبکه محور پیامدهای تغییر در مفاهیم مادی و غیرمادی را نشان می‌دهد. این مفهوم همچنین پیامدهای تغییر بالقوه در مفاهیم حوزه‌های کاربردی مانند فرماندهی و کنترل را ارائه می‌کند. بویژه توانمندی‌های شناسایی شده در مفهوم مشترک فرماندهی و کنترل که شبکه محور بوده و به نظر می‌رسد که در عرصه‌های کاربردی مختلف بسط داده شده‌اند، اگر اجرا شوند، توانمندی‌های اطلاعات محور را در تمام عرصه‌های کاربردی بهینه خواهند کرد.

این مفهوم نیروی مشترکی را در یک حوزه دانش یکپارچه و دارای قابلیت لازم جهت کسب توانمندی‌ها و ویژگی‌های حوزه فنی به عاملیت شبکه در محیط آینده که به طور فزاینده‌ای پیچیده، نامطمئن و پویاست، فراهم می‌کند. عملیات نظامی انجام‌شده در محیط شبکه محور عملیات مبتنی بر مرکزیت شبکه است. این عملیات را می‌توان با عنوان بهره‌گیری از شبکه‌های انسانی و فنی تمامی عناصر آموزش دیده و ماهر نیروی مشترک، با قابلیت‌های جمعی کاملاً به هم پیوسته، هوشیاری، دانش، تجربه و قدرت تصمیم‌گیری برتر جهت دستیابی به سطح بالای چابکی و اثرگذاری در محیط‌های پراکنده، غیرمتمرکز، پویا و نامطمئن توصیف کرد (ASD NII Memo Subj, 2003).

مؤلفه‌های عملیاتی نیروی مشترک شبکه محور

با توجه به موارد ذکرشده، مؤلفه‌های عملیاتی نیروی مشترک شبکه‌محور متأثر از راهبرد دشمن، نیت و روند تهدیدات او و نیز راهبرد دفاعی خودی می‌تواند به شرح شمای ذیل باشد (برگرفته از تجربیات نگارنده):



تشریح کلی هر مؤلفه

✓ گسترش، متمرکز نمودن و مانور نیروهای صحنه نبرد

استقرار و ترتیب نیروهای تحت امر و واگذار شده در صحنه نبرد به منظور برتری نسبی عملیاتی، کنترل وضعیت سیاسی - نظامی و اجراء نبرد در راستای اهداف و خط مشی‌های ملی.

✓ هدایت عملیات‌های اطلاعاتی صحنه نبرد

اجرای فرآیند اطلاعاتی مشترک به منظور تأمین اطلاعات مورد نیاز طراحان، اجراء و ارزیابی عملیاتی صحنه نبرد، عملیات‌های بزرگ و اقدامات فرماندهی با بکارگیری کلیه منابع اطلاعاتی و قابلیت‌های اطلاعاتی صحنه نبرد در راستای تداوم عملیات و ارزیابی تمامی جنبه‌های محیط عملیاتی در قالب شناسایی تهدید، تعیین قابلیت‌های دشمن و تخمین نیات او.

✓ بکارگیری آتش عملیاتی صحنه نبرد

روانه‌سازی آتش از طریق موقعیت‌های موجود صحنه نبرد، یگان‌ها و سیستم‌های مرجع، چه در قالب انهدام نیرو و تجهیزات و چه در قالب غیر عملیاتی نمودن دشمن، به منظور وارد نمودن ضربه لازم با توجه به راهبرد صحنه نبرد.

✓ حفظ و تقویت نیروهای صحنه نبرد

حفظ و تقویت نیروهای صحنه نبرد مستلزم پشتیبانی لجستیکی در راستای راهبرد صحنه نبرد، عملیات‌های مشترک و درگیری‌های مختلف با بهره‌گیری از تمامی منابع می‌باشد.

✓ تأمین فرماندهی و کنترل، ارتباطات و رایانه صحنه نبرد

اعمال اختیارات و وظائف محوله، توسط فرماندهی رزم بر روی نیروهای تحت امر و واگذاری در راستای راهبرد صحنه نبرد، که بر اساس راهبرد امنیت ملی و نظامی تعریف گردیده است، به منظور تطبیق

اهداف، تهدیدات و فرصت‌ها با توجه به منابع واگذاری از مفاهیم فوق می‌باشد.

✓ هماهنگی حفاظت از نیرو در صحنه نبرد

محفوظ نگهداشتن توان بالقوه نیرو با توجه به اقدامات عملیاتی دشمن، به معنی حفظ سیستم‌ها، امکانات، نیروی انسانی ویژه و تشکیلات راهبردی است. این اقدامات همچنین شامل شناسایی و محافظت مراکز ثقل راهبردی و عملیاتی و پایگاه‌های هدایتی و زمینی و دریایی، امکانات و مسیر ارتباطی خودی در مقابل تحرک و مانور راهبردی دشمن و حملات او می‌باشد.

✓ تأمین نیازمندی‌ها و آمادگی نیروهای صحنه نبرد

شناسایی منابع به منظور اجرای عملیات‌های صحنه نبرد در راستای مأموریت محوّل و کسب نتایج نهایی از مفاهیم موضوع فوق می‌باشد.

✓ برقراری و توسعه ارتباطات منطقه‌ای

انجام اقدامات سیاسی - نظامی یا حفظ، بهبود و توسعه ارتباطات منطقه‌ای به منظور انجام اقدامات نظامی بجز جنگ، همانند اقدامات حفظ صلح، مقابله با قاچاق، اقدامات ضدتروریستی و غیره از جمله مفاهیم موضوع فوق می‌باشد.

دشمن برگرفته از تجهیزات نوین و تسلیحات هدایت‌شونده، بنا به نوع عملیاتی که قصد اجرای آن را دارد، در فازهای گوناگون عملیاتی می‌تواند موجبات صدمه و آسیب به منابع و منافع حساس و حیاتی کشور و یا حتی مقدمات هجوم به خاک مقدس ج.ا.ا را فراهم آورد. نیروی شبکه محور نیز برگرفته از شرایط تاکتیکی و راهبرد دفاع همه‌جانبه، واکنش‌های لازم را در مقابل دشمن به منصفه ظهور می‌رساند. آنچه مهم است روند سازماندهی این نیرو در دریا با رویکردی نوین است.

نیروی شبکه محور برای ایجاد شبکه‌ای از افراد، حسگرها، سکوها، سرنشین‌دار و بدون سرنشین وابستگی شدیدی به تعامل پذیری تجهیزات، داده‌ها

و نرم افزار و ارتباطات دارد. بخش‌هایی از فناوری نیروی شبکه محور وابسته به ارسال امواج مخابراتی مستقیم برای سیگنال‌های ماکروویو و پرتوهای لیزری است. بخش‌های دیگر این فناوری مسئول متراکم‌سازی اطلاعات برای ارسال در تمام خطوط اصلی شبکه به منظور توزیع و پخش اطلاعات (توسط کابل‌های فیبر نوری، امواج میکروویو و ماهواره‌ها) می‌باشند.

این فناوری باید موجب ارتباطات سریع بین افراد در تمام نیروها و به اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات بین سکوها و حسگرهای متحرک مورد استفاده در تمام نیروهای نظامی شود. معماری‌ها و ساختارها نیز باید این توانمندی را داشته باشند که وقتی یک یا تعداد بیشتری از گره‌های ارتباطی از کار می‌افتند، بتوانند شبکه را به طور پیاپی بازسازی نموده و به صورت خودکار، معایب خودشان را برطرف سازند، یا حالت خودترمیمی داشته باشند.

مأموریت نیروی مشترک شبکه محور

(برگرفته از تجربیات نگارنده)

اعمال یک نیروی مشترک شبکه محور، بجز مأموریت‌ها و وظایف ساختاری، می‌تواند شامل موارد زیرین باشد:

- ✓ ارتقاء قدرت رزم مشترک دریایی
- ✓ دفاع و جلوگیری از حملات به کشور، با توجه به عمق راهبردی دفاع مشترک دریایی
- ✓ نشان دادن قدرت نیروی مشترک شبکه محور، شامل حمله به هدف‌های موجود در خشکی از طریق دریا، حمایت از نیروی نظامی موجود در خشکی، تنظیم حملات و پشتیبانی از آنها
- ✓ تأمین امنیت و آزادی در عمق راهبردی دریا، خشکی و فضا
- ✓ هماهنگی عملیات و مأموریت‌های بخش‌های مختلف نیروی مشترک شبکه محور

تکنولوژی‌های پیشرفته در سرتاسر جهان در حال انتشار است. بنابراین، نیروی مشترک شبکه محور نیز باید از تغییرات تکنولوژی آگاه بوده و آماده بهره‌برداری از تکنیک‌های جدید باشد. بجز توانمندی‌های موجود، مهم‌ترین توانایی‌های این نیرو می‌تواند شامل موارد زیرین باشد:

- ✓ دستیابی و بهره‌برداری از دیده‌بانی فضایی / هوایی برای ردیابی ناوگان‌ها و بالا بردن آسیب‌پذیری ناوگان‌های دشمن.
- ✓ بهره‌گیری از فناوری‌های مبتنی بر اطلاعات و هوش
- ✓ بکارگیری سیستم‌ها و سلاح‌های موشکی مؤثر و هوشمند
- ✓ استفاده از سیستم‌های زمینی پیشرفته به همراه سنسورهای شبکه‌ای که می‌تواند کشتی‌های دشمن را توسط سیستم‌های متحرک هدف‌گیری کند.
- ✓ بکارگیری موشک‌های ضدکشتی با خصوصیات فیزیکی مناسب و قابلیت پرواز برد بلند
- ✓ استفاده از موشک‌های بالستیک با قابلیت هدایت بالا که قادر به حمله به ناوگان‌های دشمن می‌باشند
- ✓ استفاده از زیردریایی‌های بدون صدا، مدرن و غیر وابسته به هوا به همراه اژدرهای مدرن
- ✓ نگهداری اطلاعات مهم و حفظ آنها در مقابل دشمن
- ✓ استفاده از شناورهای رزمی با عملکرد مؤثر و مجهز به ابزار شبکه‌ای و زیرسیستم‌های خودکار
- ✓ استفاده از موشک‌های عمود پرتاب در شناورهای رزمی، بالأخص در عملیات ضدهوایی
- ✓ استفاده از هواپیماهای بدون خلبان با بردهای دور و نزدیک جهت مأموریت‌های مختلف
- ✓ توسعه قابلیت‌های زیردریایی‌ها برای حمایت از عملیات‌های ساحلی

تمامی مواردی که در حال حاضر نیروی مشترک کشور در قالب یک نیروی مشترک شبکه محور فاقد آن است، می‌بایستی طی یک برنامه مدون و در اسرع وقت به آنها دست یابد.

بر پایه بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن، لازم است تغییرات اساسی نیز در ساختار مدیریتی و اجرایی موجود نیروی مشترک شبکه محور ایجاد گردد.

نتیجه‌گیری

موقعیت ممتاز ایران در جغرافیای جهان موجب شده که از دیرباز تاکنون، مرکز توجه قدرت‌های سلطه‌جوی خارج از منطقه باشد، تا به هر نحوی از انحاء، آن را در سیطره خود داشته و از این راه، تسلط خود را بر خلیج فارس، تنگه هرمز و ثروت‌های خدادادی آن، که بیش از ۴۱٪ انرژی (نفت و گاز) جهان را در خود جای داده است، تثبیت نمایند.

قدرت‌هایی مانند آمریکا، روسیه، چین و هند در ره‌نامه سیاسی و نظامی خود توجه ویژه‌ای به منطقه دریای عمان و اقیانوس هند و نیز افزایش قدرت دریایی خود دارند و معتقدند برای از بین بردن تهدیدات خود باید در چنین مناطقی با دشمن درگیر شوند، نه در ساحل و مرزهای خود، که در این بین حضور و نفوذ آمریکا در منطقه به واسطه مسائل و بهانه‌های به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر و نیاز روزافزون به منابع انرژی، پررنگ‌تر از سایر رقیبان است.

آمریکا برگرفته از نتایج جنگ‌های اخیر چه در بالکان و چه در خلیج فارس، اصل "تجمع نیرو" را در بهره‌گیری از فناوری عصر اطلاعات و یکپارچه‌سازی نیروها در زمین، دریا (اعم از سطح، زیرسطح و سواحل مشرف بر دریا)، هوا و فضا و تمامی پایگاه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود در قالب طرحی با نام "شبکه قدرت" دیده است که جدا از موقعیت جغرافیایی هر یگان و یا هر واحد رزمی و پایگاه مربوطه، چتر ارتباطی مطمئن و پایدار بر روی آنها گسترده شده و هر آن اشراف اطلاعاتی لازم بر صحنه نبرد و محیط اطراف آن بنا به نیاز و میزان دسترسی داشته و از توانمندی‌های خود عملاً به عنوان یک نیروی یکپارچه در مأموریت

محوه استفاده می‌نمایند. خواه این نیروها در محدوده نبرد باشند و خواه در خارج از آن. مهم این است که بتوان از توانمندی‌ها و قابلیت‌های آنها در صحنه نبرد بهره جست.

این طرح راهبردی عملیاتی در دریا، در قالب "ضربت دریایی" به عنوان نیروی آفندی، "سپر دریایی" به عنوان نیروی پدافند کننده و "پایگاه دریایی" به عنوان پایگاه پشتیبانی کننده، تقسیم‌بندی گردیده و برابر تعاریف مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تأکید فرماندهی معظم کل قوا بر حضور قدرتمند نیروی دریایی در آب‌های آزاد و تنگه باب‌المندب و فراتر از مدار ده درجه است. این حضور، که به معنی حضور در حریم دریایی ایالات متحده آمریکا است، از حساسیت‌های موجود در خلیج فارس کاسته. به این دلیل که خلیج فارس یک محیط بسته امنیتی نیست و امنیت آن از ثبات و بی‌ثباتی حوزه‌های مجاور، غرب آسیای عربی، آسیای جنوب غربی، آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، شمال آفریقا و سایر سازه‌های ژئوپلیتیکی متأثر است.

برآورد تهدیدها و راهبردهای دفاعی مقابله با آنها نشان داده است که یکی از خطرناک‌ترین محورهای تهدید منافع جمهوری اسلامی ایران از طریق دریا می‌باشد و همچنین، مؤثرترین پاسخ ما به دشمن، که بازدارندگی را سبب خواهد شد، می‌تواند در دریا صورت گیرد؛ لذا نقش یک نیروی مشترک راهبردی در قالب نیروی مشترک شبکه محور با قابلیت‌ها و توانمندی‌های ذکر شده در این کتاب می‌تواند در خور توجه باشد. به همین منظور، لازم است برگرفته از راهبرد دفاع همه‌جانبه و بهره‌گیری از محیط شبکه محور نسبت به یکپارچه‌سازی نیروهای مشترک در محیط عملیاتی اقدام لازم صورت پذیرد.

جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد سیادت دریایی خود را در دریای عمان حفظ کند، باید کنترل مؤثری بر دریاها و خود داشته و ضمن حضور در آب‌های آزاد، برتری تاکتیکی جهت ایجاد امنیت، آزادی کشتیرانی و عبور بی‌ضرر برای کلیه کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان را به منصفه ظهور برساند.

توجه به این نکته ضروری است، که منافع ملی ج.ا.ا در چهارچوب قدرت تعیین می‌گردد و قدرت نظامی بیشترین ابزار قدرت را در اختیار دارد و از این رو، عمده‌ترین عنصر قدرت ملی محسوب می‌شود.

در خاتمه، یادآور می‌شوم که به لحاظ حضور نیروی دریایی راهبردی ایران در آب‌های دوردست، که می‌تواند به یکی از ابزارهای قدرت تبدیل گردد، عمق استراتژیک کشور افزایش یافته و این حضور استراتژیک می‌باید مجری مأموریت‌های استراتژیک در قالب نیروی مشترک شبکه محور در مدار ده درجه باشد.



منابع

۱. اداره سیاسی سپاه، جریان برانداز و استراتژی براندازی خاموش (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج سپاه
۲. الاسدایر درایسدل، ترجمه دژه میرحیدر، جغرافیای سیاسی غرب آسیا و شمال آفریقا، ص ۱۸۰
۳. الاسدیر دریسدال و جرالدا اچ. بلیک (۱۹۸۵) «خاور میانه و شمال آفریقا، نشر دانشگاه آکسفورد آمریکا
۴. انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۰)، "قدرت هوشمند و مهندسی نوین در جنگ نرم"، در کتاب محمود عسگری، جنگ نرم در عرصه دفاع ملی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۵. آقاجانی، احمد و محمود عسگری (آبان ۱۳۹۰)، "قدرت افکنی و ایجاد نیروی دریایی راهبردی"، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ج ۹، شماره ۱۰۲
۶. آقاجانی، احمد و محمود عسگری (پاییز ۱۳۸۹)، «قدرت افکنی هند و ملاحظه‌های امنیتی برای ج.ا.ایران» فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰
۷. بابایی، علی، پیشین، ج ۴ ص ۵۷۳
۸. پایگاه خبری - تحلیلی بصیرت، (۱۵ فروردین ۱۳۹۴)، تحولات یمن از نگاه شیرین هانتر / هراس سعودی‌ها از توسعه، دفاع و امنیت در جنوب شرق کشور، دانشگاه امام حسین (ع) ۱۳۹۰
۹. جعفری ولدانی، اصغر، ژئوپولتیک جدید دریای سرخ.

۱۰. جکویش، داگالس (تابستان ۱۳۸۵)، «فناوری‌های مدرن در عملیات روانی هواپیماهای بدون سرنشین» فصلنامه عملیات روانی، ج ۴، شماره ۱۳
۱۱. جنگ نرم آمریکا علیه ایران؛ چیستی و چرایی.
<http://www.farhangnews.ir/Site/Default.aspx>
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا، ابراهیم رومینا (۱۳۸۴)، تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی، مجله‌ی جغرافیا و توسعه
۱۴. حسینی، حسین (۱۳۸۹)، جنگ نرم: از تهدید تا پاسخ - فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی
۱۵. حمزه، پورعلی (۱۳۸۶)، ماهیت براندازی نرم، تهران، مؤسسه مطالعات کاربردی بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی
۱۶. خانی، مهدی (۱۳۷۶)، امام خمینی (ره) بسیج، استراتژی دفاع همه جانبه. تهران: مطالعات بسیج شماره ۱۵
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، واژه قلم.
۱۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (بهار ۱۳۹۰)، «فناوری‌های قدرت در جنگ نرم» فصلنامه مطالعات راهبردی سال چهاردهم، شماره ۱
۱۹. رامشت، محمد حسین. تأثیر هاله پیرامونی فرهنگ و مدنیت در امنیت ملی و منطقی‌های در مجموعه مقالات همایش جغرافیا
۲۰. روشندل، جلیل (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت
۲۱. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرمانده و مسئولان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی (۱۳۹۱/۹/۷)
۲۲. سایت تابناک / <http://www.tabnak.ir/fa/news/643986/>

۲۳. سعیدیان، عبدالحسین (بهار ۱۳۷۵)، اطلاعات عمومی، نشر علم، چاپ سوم
۲۴. سیاری، حبیب‌الله، وطحانی، غلامرضا (۱۳۹۰)، راهبردهای قدرت دریایی، تهران، انتشارات دافوس آجا
۲۵. شمشیرپناه، معصومه (۱۳۸۲)، "اهمیت امنیتی-استراتژیکی بندر چابهار ج.ا.ایران" پایان نامه ی کارشناس ارشد دانشگاه امام حسین (ع)^(۴)
۲۶. صفوی، سید یحیی (۱۳۷۹)، سخنرانی در همایش جغرافیا، کاربردهای دفاعی، امنیتی، مجموعه مقالات، محمد باقر چوخابیزاده مقدم و. دیگران، دانشگاه امام حسین (ع)^(۴)
۲۷. عجم، محمد (۱۳۸۸)، اسناد نام خلیج فارس، میراثی کهن و جاودان، تهران، نشر اوین
۲۸. عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۰)، جایگاه ژئواستراتژی در تأمین امنیت مرزهای شرقی (مجموعه مقالات همایش جغرافیا، توسعه، دفاع و امنیت در جنوب شرق کشور)، دانشگاه امام حسین (ع)^(۴)
۲۹. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴)، ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۳۰. عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۳)، جغرافیای نظامی ایران، تهران. انتشارات امیر کبیر
۳۱. فیضی، رمضان. بررسی ظرفیتهای جغرافیای نظامی کرانه‌های شمالی دریای عمان (مجموعه مقالات همایش جغرافیا)
۳۲. قالیباف، محمدباقر و پورموسوی، سیدموسی (۱۳۸۷)، ژئوپولیتیک نوین خاورمیانه و سیاست خارجی ایران، پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۶۶
۳۳. قانع، سعید (بهار ۱۳۷۴)، اطلاعات دانش امروز
۳۴. کامران، حسن (۱۳۸۱)، جایگاه سیاست دریایی در ج.ا.ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران

۳۵. کوچکی، سجاد (۱۳۸۵)، گفتگو با فرمانده نیروی دریایی ارتش ج.ا.ایران، امیر دریادار سجاد کوچکی، پیام دریا
۳۶. متفکر، حسین (۱۳۹۲)، جزوه تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، سازمان تبلیغات اسلامی
۳۷. محمدپور، علی، محمدامین عطار، ابوالفضل شامی قورچلو، منوچهر معصومی (پاییز ۱۳۹۴)، فصلنامه مدیریت نظامی شماره ۵۹، سال پانزدهم
۳۸. موحدی صفت، محمدرضا (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، امنیت ملی در فضای سایبر، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۰
۳۹. مولانا، حمید (۱۳۸۱)، استراتژی جنگی آمریکا، سایت باشگاه اندیشه ۱۶
۴۰. نامی، حسن و عباسی، علیرضا (پاییز ۱۳۸۸)، تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم
۴۱. نائینی، علی محمد (بهار ۱۳۸۹)، بازدارندگی نرم؛ مبانی و کاربردهای دفاعی آن، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸
۴۲. (خرداد ۱۳۸۷)، همایش چابهار، ترانزیت و توسعه محور شرق، تهران

1. Alberts, David S. and Richard E. Hayes. *Power to the Edge*. Washington, DC : CCRP Publication Series. 2003
2. Andrew S. Erickson ,Ladwig C.WalterIII &Justin D. Mikolay 29 Sep 2010
3. ASD NII Memo Subj:Joaint Net-Centric Capabilities 15 July2003
4. Balancing Acts:The U. S. Rebalance and Asia - Pacific StabilityRobert G. Sutter, Michael E. Brown, and Timothy J. A.Adamson,with Mike M.Mochizuki and Deepa OllapallyAugust 2013
5. Cartalucci Tony, (26 March 2015), Saudi Attack on Yemen - The New Normal,
6. Deng, Yong (2001): Hegemon on the Offensive Chinese Perspectives on U. S. Global Strategy, Political Science Quarterly, Volume 116, no. 3, Fall 2001.
7. Diego Garcia and the United States' Emerging Indian Ocean Strategy
8. Diego&Garcia
An&Atoll&in&the&Middle&of&the&Indian& Ocean — us navy
9. FORCEnet Implementation Strategy Committee on the FORCEnet Implementation trategy, National Research Council ISBN: 0 — 309 — 65385 — 1, 260 pages, 6 x 9, (2005)
This free PDF was downloaded from: <http://www.nap.edu/catalog/11456.html>

10. Forcenet Resource Sponsor RDML(SEL) Betsy Hight
OPNAV N61C 29 APR 2004
11. Insight scentreforfuturestudies strategic futures consultancy
Our Future World An analysis of global trends, shocks and
scenarios Centre for Future Studies T. 0800 881 5279 The
Innovation Centre F. 01227 709420 Kent University M.
07743 929600 Canterbury Kent W. www. futurestudies.
co. uk CT2 7FG
12. James Lyon, Maldives, Lonely Planet, 2003, ISBN 1 _ 74059
_ 176 _ 3, Google Books
13. Military Perspectives on Cyberpower edited by Larry K.
Wentz Charles L. Barry Stuart H. Starr PUBLISHED BY
THE CENTER FOR TECHNOLOGY AND NATIONAL
SECURITY POLICY AT THE NATIONAL DEFENSE
UNIVERSITY WASHINGTON, DC July 2009
14. Naval Science & Technology Building Tomorrows
Information Dominance Capabilities RADM Matthew
Klunder Chief of Naval Research
15. Overseas Basing of U. S. Military Forces www. rand. org
as a public service of the RAND Corporation 2013
16. Pivot to the Pacific? The ObamaAdministration's
"Rebalancing" Toward Asia — Congressional Research
Service March 28, 2012
17. QDR 2014 and the Evolving US Grand Strategic Approach in
the Indo _ Pacific

18. Rabindra Nath Ghosh, Rony Gabby, Muhammed Abu B. Siddique, *Tourism and Economic Development : Case Studies From The Indian Ocean*, Ashgate Publishing Ltd. 2003, ISBN 0-7546-3053-6, Google
19. Strait of Malacca — *World Oil Transit Chokepoints*, Energy Information Administration, U. S. Department of Energy
20. *Strategic Opportunities in FORCEnet* David Ahlgren
21. *The Spoke Trap: hub and spoke bilateralism in East Asia* Richard E. Baldwin Graduate Institute of International Studies, Geneva February 2007
22. *The United States and Central Asia after 2014* CSIS- JANUARY 2013 Jeffrey Mankoff
23. Tsukuba Takafumi (2012) *Understanding U. S. Overseas Military Presence after World War* *Journal of International and Advanced Japanese Studies* Vol. 4, March 2012 pp 29.
24. *U. S. Force Posture Strategy in the Asia Pacific Region: An Independent Assessment* Center for Strategic and International Studies June 27, 2012
25. van der Zeijden Wilbert 2009 *Foreign Military Bases and the Global Campaign to close them*, Transnational Institute A worldwide fellowship of scholar activists <http://www.tni.org>
26. *Washingtonpost. com : U. S. Troop Strength in the Persian Gulf* [www.washingtonpost.com/wp-rv/inatl/longterm/iraq/military/usstrength. htm](http://www.washingtonpost.com/wp-rv/inatl/longterm/iraq/military/usstrength.htm)